روزنامه پیام ما
| سال بیست‌ویکم | شماره پیاپی ۳۲۵۴ | چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان |
www.payamema.ir

عراق
از میدان جنگ تا مقصدگردشگری
۴

سخنگوی دولت به «پیام ما»: مصالح ملی بر طرح‌های محلی اولویت دارد و دولت زیر بار فشار سیاسی نمی‌رود

دولت در آتش پروژه‌های پرچالش مجلس
۵

روند بی‌سابقه خشکیدن قاره‌ها
ایران در نقشه متوسط ۲۰ساله ذخایر آب زمینی با رنگ قرمز نشان داده شده است
۶

AP

«نوشین ساطعی» درگفت‌وگو با «پیام ما» مطرح کرد
دهه‌شصتی‌ها تابوی زن حفاظتگر را شکستند
۳

غنی‌سازی غذا
اغوای دروغین یا اغراق؟
۲

درجست‌وجوی طلا تاریخ را می‌سوزانیم
در سایه بی‌عملی وزارت میراث‌فرهنگی حفاری‌های غیرمجاز میراث ایران را نابود می‌کنند
۴

زنان خورشیدی وکشاورزان نوآور
پنل‌های خورشیدی روی بام خانه‌ها و مدارس هند زندگی مردم را در شهرها و روستاها دگرگون کرده‌اند
۵

دیدگاه
چگونه واژه‌ها از طریق بدن و حافظه، زیسته می‌شود؟
جوشش شهر در رگ ادبیات داستانی

| علی ملازاده |
| روزنامه‌نگار |
۸

دیدگاه
گردشگران درکرمانشاه چه می‌بینند؟
بازدید ازکاهلی یک نهاد دولتی

| زینب اسماعیلی |
| روزنامه‌نگار |
۲

یادداشت

مشاوره پیش از ازدواج اقدامی لوکس یاگامی برای آینده‌ای پایدار؟

| روناک رستمی‌زاده |
| روان‌درمانگر |

در سالن پذیرش مراکز مشاوره، دختر و پسر جوانی کنار هم نشسته‌اند و نگاهشان پر از سؤال و اضطراب است. آنها نگرانند مشاور به آنها بگوید برای ازدواج با یکدیگر مناسب نیستند؛ هرچند مدت طولانی با هم آشنا هستند، اما اخیراً در رابطه‌شان با چالش‌هایی مواجه شده‌اند که آنها را به‌سمت مشاوره پیش از ازدواج کشانده است.

امروزه ازدواج دیگر «هندوانه دربسته» نیست؛ عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند کیفیت زندگی زناشویی را حتی پیش از ازدواج پیش‌بینی کنند. ازدواج از بنیادی‌ترین تصمیم‌های زندگی هر انسان است؛ تصمیمی که نه‌تنها مسیر فردی بلکه سرنوشت خانوادگی و اجتماعی او را نیز رقم می‌زند.

«ویلیام گلسر»، روانشناس برجسته، معتقد است آنچه عمدتاً باعث خشنودی یا ناخشنودی انسان‌ها در زندگی می‌شود، کیفیت روابط و میزان ارضای نیازهایشان در این روابط است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که کیفیت زندگی زناشویی می‌تواند سلامت روانشناختی و حتی جسمانی افراد را بهبود بخشد و رضایت روانی و فیزیکی آنان را افزایش دهد. پژوهش‌ها پس از همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ نشان دادند زن و شوهرهایی که رابطه عاطفی سالم‌تر داشتند، کمتر به بیماری مبتلا شدند و درصورت ابتلا شدت آن بسیار کمتر بود.

مشاوره پیش از ازدواج نه‌تنها اقدامی فردی یا روانشناختی، بلکه بخشی از فرایند توسعه انسانی پایدار به‌شمار می‌آید. در مفهوم توسعه پایدار، هدف جوامع صرفاً رشد اقتصادی نیست، بلکه سلامت روانی، بهبود کیفیت روابط انسانی و ارتقای سرمایه اجتماعی نیز از شاخص‌های اساسی توسعه محسوب می‌شوند.

خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی بی‌بدیل در پایداری توسعه دارد. کیفیت روابط خانوادگی، سلامت روانی اعضا و ثبات خانواده از جمله عواملی هستند که به‌طور مستقیم بر انسجام اجتماعی، بهره‌وری انسانی و امنیت روانی جامعه تأثیر می‌گذارند. ازدواج‌های ناموفق و ناپایدار، طلاق‌های زودهنگام و تنش‌های خانوادگی از جمله چالش‌هایی‌اند که سرمایه اجتماعی را تضعیف و هزینه‌های روانی و اقتصادی سنگینی بر جامعه تحمیل می‌کنند. ازاین‌رو، ضروری است برای پیشگیری از این آسیب‌ها، برنامه‌ریزی‌های دقیق و علمی چه از طریق قانونگذاری و چه با اجرای طرح‌های عملی همچون بیمه‌ای شدن خدمات مشاوره پیش از ازدواج، اجباری شدن آن پیش از عقد رسمی و دسترسی آسان‌تر به مشاوران حرفه‌ای و کارآزموده در سطح ملی انجام گیرد. در جامعه ما هنوز هم به مشاوره پیش از ازدواج به چشم هزینه‌ای اضافی و اقدامی غیرضروری یا لوکس نگریسته می‌شود. این درحالی‌است که بسیاری از زوج‌ها در شرایطی تن به ازدواج می‌دهند که میزان شناخت آنها از یکدیگر محدود به تعامل‌های کوتاه‌مدت یا تجربه‌های احساسی است؛ شناختی که اغلب نمی‌تواند بینش لازم را درباره پیچیدگی‌های فراوان انتخاب همسر مناسب در بر گیرد و آگاهی کافی از خانواده، شبکه‌های اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل فراهم آورد.

لازم به یادآوری است که نقش مشاوره پیش از ازدواج، تشویق یا بازداشتن زوج‌ها از ازدواج نیست؛ بلکه هدف آن کمک به افزایش شناخت، درک متقابل و تصمیم‌گیری آگاهانه است. در اغلب موارد، زوج‌ها زمانی به مشاوره مراجعه می‌کنند که تصمیم خود را گرفته و حتی تاریخ جشن و تدارکات مراسم را مشخص کرده‌اند.

مشاور پیش از ازدواج در این مسیر نقش راهنما و همراه را ایفا می‌کند و با استفاده از ابزارهای استاندارد مانند آزمون‌های شخصیت، مصاحبه‌های فردی و گروهی و سایر روش‌ها، چشم‌اندازهای آینده زندگی مشترک را پیش روی زوجین قرار می‌دهد. ظهور چالش‌ها و اختلاف‌نظرها در طول مشاوره به‌معنای عدم تناسب زوج‌ها یا توصیه به عدم ازدواج نیست. در فرایند یک مشاوره پیش از ازدواج مؤثر، زوج‌ها مهارت‌های ضروری برای زندگی موفق مشترک را می‌آموزند؛ مهارت‌هایی مانند حل تعارض، ابراز هیجان‌ها، گفت‌وگوی مؤثر و مدیریت انتظارات. یادگیری این مهارت‌ها به تمامی زوج‌ها کمک می‌کند بهترین نتیجه ممکن را از ازدواج خود به دست آورند.

بنابراین، می‌توان گفت مشاوره پیش از ازدواج به‌صورت بالقوه نوعی فعالیت پیشگیرانه از طلاق محسوب می‌شود. شاید زمان آن رسیده باشد که در کنار جشن‌های پرهزینه ازدواج، اختصاص زمان کافی برای گفت‌وگو با مشاور متخصص را نیز به‌عنوان بخشی ضروری از آغاز یک زندگی زناشویی آگاهانه در نظر بگیریم.

خبر

راه‌اندازی خط مستقیم دریایی چابهار-مسقط

دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد از راه‌اندازی خط مستقیم کشتیرانی مسافری بین چابهار-مسقط و بالعکس با سرمایه‌گذاری کشور عمان خبر داد.

چندی پیش مدیرکل بنادر و دریانوردی سیستان‌وبلوچستان اعلام کرد اولین سفر دریایی در مسیر مسقط-چابهار با یک کشتی به ظرفیت ۱۶۰ نفر، در آینده‌ای بسیار نزدیک انجام خواهد شد و راه‌اندازی خطوط مسافربری بین‌المللی از جمله مسیرهای چابهار-مسقط و چابهار-کراچی، نه‌تنها ظرفیت‌های ترانزیتی و گردشگری این بندر را فعال می‌سازد، بلکه نقش چابهار را به‌عنوان نقطه کانونی راهبرد ملی توسعه سواحل مکران تثبیت می‌کند.

«محمدسعید اربابی»، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد چابهار، نیز پیش‌تر با انتشار پیامی اعلام کرده بود حرکت کشتی مسافری از مسقط به چابهار، تحقق وعده رئیس‌جمهور در سفر اخیر به عمان است. او همچنین گردشگری دریایی را حلقه مفقوده توسعه چابهار دانست و ابراز امیدواری کرد با راه‌اندازی این خط، ظرفیت‌های مغفول‌مانده منطقه در حوزه گردشگری بین‌المللی فعال شود.

اخیراً اما «رضا مسرور»، دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد، از آغاز به کار خط مستقیم کشتیرانی گردشگری و مسافری بین چابهار-مسقط و برعکس خبر داده است. بنابر گفته مسرور این پروژه مورد تأکید رئیس‌جمهور از سال‌های قبل بوده و این خط با پیگیری‌های انجام‌شده با یک سرمایه‌گذار عمانی راه افتاده است.

دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد همچنین در توضیح بیشتری گفت: «این مسیر دریایی با توجه به هزینه بسیار پایینی که نسبت به سایر سفرهای دیگر به عمان دارد مورد استقبال قرار خواهد گرفت.» |ایسنا

آگهی مناقصه عمومی

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین (سهامی عام)
Goharzamin Mining and Industrial Company
روابط عمومی و امور بین الملل

انتخاب پیمانکار انتقال آب با تانکر به سایت بردسیر شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین
(مناقصه شماره ۱۶-TC-۴۰۴)

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین در نظر دارد پیمانکار واجد شرایط و صلاحیت به منظور" انتقال آب با تانکر به سایت بردسیر" این شرکت را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به‌همراه انجام فرآیند ارزیابی کیفی، شناسایی و انتخاب نماید. متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست ابتدا نامه اعلام آمادگی و فیش واریزی را از طریق آدرس ایمیل ذیل به دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند.

متقاضیان واجد صلاحیت پس از دریافت پاکت‌های خالی مناقصه از دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در مجتمع سیرجان یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران، پیشنهادات خود را تا قبل از مهلت مقرر به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربي، شماره ۱۲، طبقه یک تحویل دهند.

شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:

- پیمانکار باید دارای سابقه کار مشابه در زمینه حمل و نقل باشد.
- پیمانکار باید دارای حداقل ۳۰ درصد ماشین‌آلات ملکی مورد نیاز باشد.
- پیمانکار باید دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری و ایمنی باشد.
- ارائه معرفی‌نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۱۳۷۸۰۰۲۰۰۰۷۵ نزد بانک سپه و یا حساب شماره ۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ نزد بانک ملت به نام شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین جهت شرکت در مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار" انتقال آب با تانکر به سایت بردسیر"
- مهلت تسلیم درخواست خرید اسناد: از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ ساعت ۰۷:۳۰ تا روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ ساعت ۱۴:۰۰
- متقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده، حاوی مدارک کاغذی و CD (شامل کلیه مدارک اسکن شده) که نام و نشاني درخواست کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.
- کارفرما در انتخاب شرکت‌ها جهت دعوت به مناقصه و همچنین در رد یا قبول پیشنهاد پیمانکاران بر اساس صلاحدید خود کاملاً مختار بوده و لذا شرکت در مناقصه، حقی برای ایشان در خصوص تصمیمات کارفرما در بر نخواهد داشت.
- جهت اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۴۱۵۲۷۱۱۴-۰۳۴ و ۴۱۵۲۷۱۱۲-۰۳۴ و آدرس‌های الکترونیکی (GoharZamin.TC@Gmail.com) مکاتبه نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

آگهی مناقصه عمومی تجدیدشده
شماره ۱۴۰۴/۱۰/ع (اصلاحیه)

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر
GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد " عملیات اجرای پروژه راه سازی و روکش آسفالت تعدادی از خیابانهای شهرستان سیرجان فاز دوم (بخش دوم) " خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای گواهینامه تأیید صلاحیت پیمانکاری معتبر با رتبه حداقل ۳ در رشته راهسازی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد اصلاح شده مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنندگان دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ در محل دفترکمیسیون معاملات مجتمع می باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ مقرر شده است و شرکت در آن الزامی می باشد. توجه به این نکته ضروریست که مناقصات بخش اول و بخش دوم همزمان برگزار میگردد از این روی با هدف تسریع در عملیات اجرایی آسفالت و لزوم انتخاب دو پیمانکار مجزا برای این موضوع در صورتی که یک مناقصه گر در هر یک از مناقصات به عنوان برنده مناقصه انتخاب گردد ارجاع کار به آن شرکت در مناقصه دیگر صورت نخواهد پذیرفت. انتخاب برنده هریک از مناقصات به صلاحدید و تصمیم کمیسیون معاملات گل گهر صورت می پذیرد. شایان ذکر است فرمت ضمانت نامه های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول یا رد هریك از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

| آیدا فریدی |

برخی از تولیدکنندگان محصولات غذایی با تبلیغات و عباراتی جذاب بازار را اشباع کرده‌اند

غنی‌سازی غذا؛ اغوای دروغین یا اغراق؟

تبلیغات اغواکننده با عنوان «غنی‌سازی محصولات غذایی» با ادعاهایی مانند درمان و یا جبران برخی کمبودهای ویتامینی یا مواد معدنی، پروتئینی و غیر این روزها روی بسیاری از محصولات غذایی موجود در بازارهای رسمی دیده می‌شود. این امر به‌گفته سخنگوی سازمان غذا و دارو باید تابع استانداردهای خاصی باشد که از سوی این سازمان اعلام شده است؛ در غیر این‌صورت ادعاها تنها جنبه تبلیغاتی دارد و غیرواقعی است.

| یاسر مختاری |
| روزنامه‌نگار |

قفسه موادغذایی سوپرمارکت‌ها در بازارهای سنتی و سبدهای پیشنهادی در مارکت‌های مجازی سرشار از کالاهایی هستند که یک عنوان در آن بسیار برجسته است؛ «غنی‌شده از انواع ویتامین». بسیاری از موادغذایی، به‌ویژه مواد پرمصرفی مانند انواع نان، روغن و لبنیات، از جمله این کالاها هستند که در شبکه‌های مجازی نیز تبلیغات بسیاری از آنها به چشم می‌خورد. بسیاری از محصولات غذایی دارای جدولی با عنوان چراغ راهنمای تغذیه هستند که میزان مواد مفید و غیرمفید در آن درج شده است، اما برخی از شرکت‌های تولید موادغذایی پا را فراتر گذاشته و در تبلیغات خود عناوین پرطمطراق دیگری را اضافه می‌کنند.

> محصولاتی که برچسب‌هایی مانند چند غله، غنی از فیبر یا دارای ویتامین D دارند، تنها در صورتی اجازه درج این عبارات را دارند که نتایج آزمایش‌های کنترل کیفیت و مستندات علمی آنها تأیید شده باشد

کشف ویتامین‌ها؛ آغاز غنیسازی محصولات غذایی

بسیاری از موادغذایی خود حاوی انواع مواد مغذی هستند و ویتامین‌ها نیز بخشی از آنها را تشکیل می‌دهند. بااین‌حال، در آغاز قرن بیستم و هم‌زمان با کشف انواع ویتامین‌ها و نقش آنها در پیشگیری از بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه، توجه دانشمندان و سیاستگذاران به موضوع غنی‌سازی موادغذایی جلب شد.

در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ ایالات متحده و بریتانیا برای مقابله با کمبود مواد مغذی، غنی‌سازی آرد با ویتامین‌های گروه B و آهن را آغاز کردند و به‌تدریج درج اطلاعات تغذیه‌ای بر روی محصولات غذایی در این کشورها رواج یافت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تولیدکنندگان موادغذایی با هدف تبلیغ و بازاریابی، میزان ویتامین‌ها و مواد مغذی را بر روی بسته‌بندی درج کردند تا به مصرف‌کنندگان القا کنند محصولاتشان سالم‌تر است. با گسترش این روند، در دهه ۱۹۹۰ قوانین رسمی برچسب‌گذاری تغذیه‌ای در کشورهای توسعه‌یافته به تصویب رسید.

قانون «برچسب‌گذاری و آموزش تغذیه‌ای» در آمریکا در سال ۱۹۹۰ نقطه‌عطفی در الزام تولیدکنندگان به اعلام میزان ویتامین‌ها، مواد معدنی و سایر ترکیبات غذایی بود و اتحادیه اروپا نیز در همین دهه مقررات مشابهی را اجرایی کرد. در ایران از اوایل دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، درج جدول ارزش تغذیه‌ای و غنی‌سازی برخی موادغذایی تحت نظارت سازمان غذا و دارو الزامی شد و امروزه اغلب محصولات غذایی صنعتی این جداول را که میزان ویتامین‌ها، چربی‌های مفید و غیرمفید، کالری و قند موجود در محصول را مشخص می‌کند، روی بسته‌بندی درج می‌کنند.

در اوایل دهه ۹۰ خورشیدی، وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو با هدف مقابله با چاقی، دیابت و بیماری‌های غیرواگیر، تصمیم گرفتند شیوه اطلاع‌رسانی به مصرف‌کنندگان را ساده‌تر کنند. تا پیش‌ازآن، فقط جدول ارزش تغذیه‌ای روی محصولات درج می‌شد، اما درک آن برای عموم مردم دشوار بود. بر همین اساس، یک راهنمای رنگی با عنوان چراغ راهنمای تغذیه‌ای طراحی و در سال ۱۳۹۳ به‌صورت پایلوت روی برخی محصولات لبنی و نوشیدنی‌ها اجرا شد و پس از ارزیابی، در ۱۳۹۴ ابلاغ رسمی آن انجام گرفت. از آن زمان، تولیدکنندگان موادغذایی و نوشیدنی‌های صنعتی موظف شدند برچسب چراغ راهنمای تغذیه‌ای را براساس میزان چربی، قند، نمک، اسیدهای چرب ترانس و کالری درج کنند. این برچسب امروزه یکی از اجزای الزامی بسته‌بندی موادغذایی در ایران است و نظارت بر اجرای آن برعهده سازمان غذا و دارو قرار دارد.

غنی‌سازی غذایی در ایران

عبارت‌هایی مانند غنی‌شده با ویتامین‌ها و مواد معدنی در ایران، اگرچه این روزها نمود تبلیغاتی بیشتری دارد، اما درج آنها از اواخر دهه ۸۰ خورشیدی و اوایل دهه ۹۰ آغاز شد؛ هرچند ریشه‌های اولیه این اقدام به برنامه‌های ملی تغذیه در دهه ۱۳۷۰ باز می‌گردد. در این دهه وزارت بهداشت و مؤسسه تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی ایران، با هدف مقابله با کمبود ریزمغذی‌ها (مانند آهن، ید و ویتامین D) مطالعاتی درباره غنی‌سازی موادغذایی پایه آغاز کردند. نخستین طرح‌ها بیشتر در مورد یددار کردن نمک و آهن‌دار کردن آرد بود. اما مفهوم غنی‌سازی با ویتامین‌ها، به‌ویژه ویتامین D، به‌شکل جدی‌تر در اواخر دهه ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰ وارد مرحله اجرایی شد.

در این زمان، کمبود ویتامین D در جمعیت ایران به‌عنوان یک مشکل ملی مطرح شد و وزارت بهداشت، در همکاری با صنایع لبنی، طرحی برای غنی‌سازی شیر پاستوریزه با ویتامین D۳ آغاز کرد. به‌تدریج، سایر تولیدکنندگان نیز برای افزایش ارزش تغذیه‌ای و تبلیغ سلامت‌محور، از عبارت‌هایی مانند «غنی‌شده با ویتامین D»، «غنی‌شده با ویتامین‌های گروه B» یا «حاوی آهن و کلسیم افزوده» استفاده کردند.

امروزه این عبارت را می‌توان بر روی شیر و لبنیات، نوشیدنی‌های غلات و کاکائویی، غلات صبحانه، آبمیوه‌های صنعتی، برخی بیسکویت‌ها، آرد و نان صنعتی مشاهده کرد. درواقع، شیرهای غنی‌شده با ویتامین D، غلات صبحانه غنی‌شده با ویتامین‌های B و بیسکویت‌های کودکان از رایج‌ترین نمونه‌ها هستند. بر همین اساس، این نوع برچسب‌گذاری امروزه یک مزیت رقابتی در برخی صنایع غذایی نیز محسوب می‌شود.

استاندارد ویتامین‌های موجود در محصولات غذایی

پرسشی که مطرح می‌شود، این است که آیا این نوع غنی‌سازی واقعی است یا اینکه صرفاً ابزار تبلیغاتی محسوب می‌شود و عملاً غنی‌سازی در کار نیست؟ همچنین، این پرسش مطرح می‌شود که استاندارد خاصی برای میزان این ویتامین‌ها یا سایر مواد مغذی در محصولات وجود دارد یا خیر؟ «محمد هاشمی»، سخنگوی سازمان و سازمان غذا و دارو، در گفت‌وگو با «پیام ما» می‌گوید: «این سازمان با هدف تضمین سلامت و کیفیت موادغذایی، بر میزان ویتامین‌ها، پروتئین، فیبر و سایر مواد مغذی در محصولات بسته‌بندی‌شده نظارت دارد. این نظارت از مرحله تولید تا عرضه انجام می‌شود و شامل آزمون‌های شیمیایی و تغذیه‌ای در آزمایشگاه‌های کنترل کیفی است تا اطمینان حاصل شود میزان مواد مغذی درج‌شده روی بسته‌بندی با واقعیت منطبق است.»

هاشمی می‌افزاید: «برای برخی محصولات غذایی، استانداردهای مشخصی توسط سازمان غذا و دارو و سازمان ملی استاندارد تعیین شده است. این استانداردها حداقل میزان مواد مغذی مورد نیاز مانند پروتئین، ویتامین‌ها و فیبر را مشخص می‌کند تا تولیدکنندگان بتوانند مجوز عرضه دریافت کنند.»

به‌گفته این مقام سازمان غذا و دارو، محصولاتی که برچسب‌هایی مانند چند غله، غنی از فیبر یا دارای ویتامین D دارند، تنها درصورتی اجازه درج این عبارات را دارند که نتایج آزمایش‌های کنترل کیفیت و مستندات علمی آنها تأیید شده باشد. این فرایند تضمین می‌کند ادعاهای تبلیغاتی با واقعیت همخوانی داشته باشند.

هاشمی یادآور می‌شود: «مکمل‌های غذایی هم می‌توانند کمبودهای تغذیه‌ای را تا حد مشخصی جبران کنند، اما جایگزین یک رژیم غذایی متعادل و کامل نیستند. دوز و نحوه مصرف این مکمل‌ها باید مطابق دستورالعمل‌های سازمان غذا و دارو باشد.»

او با بیان اینکه سازمان غذا و دارو علاوه‌بر نظارت بر سلامت و کیفیت موادغذایی، در سیاستگذاری تغذیه‌ای نیز نقش دارد. می‌گوید: «این شامل تدوین ضوابط کاهش نمک، قند و چربی در محصولات صنعتی، اجرای برنامه‌های غنی‌سازی موادغذایی مانند آرد و لبنیات و ارتقای سواد تغذیه‌ای جامعه از طریق اطلاع‌رسانی عمومی است.»

نمک‌های عامل سرطان

یکی دیگر از موارد ادعایی ویژگی‌های درمانی یا آنچه به‌عنوان «سوپرفودها» نام برده می‌شود، در تبلیغات این‌گونه موادغذایی و حتی تقلبی بودن مواد داخل آن است. هر از گاهی لیست‌هایی از سوی سازمان غذا و دارو منتشر می‌شود که نام برخی از این محصولات ادعایی در این لیست‌ها و ادعاها به چشم می‌خورد. نکته این است که هرگونه درمان در ایران در محدوده شغل پزشکی است و تنها پزشکان مجاز به تشخیص بیماری و درمان آن هستند. لذا این ادعا که یک محصول غذایی می‌تواند یک بیماری را درمان کند، ادعایی گزاف و غیرواقعی است. این مسئله به‌ویژه در مورد مکمل‌های ورزشی و گیاهان داروی یا انواع نمک‌های تصفیه‌نشده وجود دارد. نکته اینکه براساس اطلاعیه‌های وزارت بهداشت یا سازمان غذا و دارو بسیاری از این نمک‌ها نه‌تنها نمی‌توانند شفابخش باشند، بلکه سرشار از آلودگی‌های خطرناک هستند. در یک نمونه ۲۶ تیرماه امسال مدیرکل نظارت بر فرآوردهای غذایی و آشامیدنی سازمان غذا و دارو اعلام کرد: «نمک‌هایی که تحت‌عنوان نمک دریاچه یا نمک دریا عرضه می‌شوند، معمولاً تصفیه‌نشده و در بسیاری موارد حاوی فلزات سنگینی همچون سرب، آرسنیک و کادمیوم هستند که مصرف آنها می‌تواند منجر به بروز سرطان یا مسمومیت شود.»

در سوی دیگر، مصرف بیش‌ازاندازه انواع مکمل ویتامین و سایر مواد معدنی نیز می‌تواند خطرناک باشد. در شهریورماه امسال یکی دیگر از مقامات سازمان غذا و دارو درباره مصرف انواع مکمل‌ها و شیرخشک و داروهایی که در بسیاری از شبکه‌ها با ادعاهای درمانی و... تبلیغ می‌شوند، هشدار داد و مصرف آنها را خطرناک دانست.

با توجه به اینکه بسیاری از مردم ممکن است به‌دلیل افزایش قیمت محصولات ارگانیک و سالم، نتوانند میزان کالری یا مواد مفیدی را که مثل از گوشت یا سایر موادغذایی دریافت کنند یا به‌دلیل نیاز به درمان راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر به این‌گونه موادغذایی و مکمل‌ها که ادعاهای غیرواقعی را بر بسته‌بندی خود دارند، روی بیاورند. بنابراین، درصورت غیرواقعی بودن و اغراق در تبلیغات، این مواد نمی‌تواند تضمین‌کننده سلامت یا ارزش تغذیه‌ای واقعی محصول باشد. از سوی دیگر، مصرف خودسرانه این کالاها یا مکمل‌ها، به‌ویژه در غلظت بالا، می‌تواند منجر به مسمومیت یا مشکلات جدی سلامتی شود و تنها انتخاب آگاهانه و اطلاع از محتوای واقعی غذاست که می‌تواند سلامت مصرف‌کننده را تضمین کند.

یادداشت

گردشگران در کرمانشاه چه می‌بینند؟

بازدید از کاهلی یک نهاد دولتی

| زینب اسماعیلی |
| روزنامه‌نگار |

بازپخش سریال «نون خ» انگیزه‌بخش مشاهده فرهنگ کردی در خانه ما شد. بنابراین، سفر کوتاه تابستانی به شهر زیبای کرمانشاه را برنامه‌ریزی کردیم. راستش تا به اینجا پازل صحیحی به نظر می‌رسید. یک سریال موفق توانسته انگیزه سفر یک خانواده به استانی را که با داشتن ثروت فراوان محروم محسوب می‌شود، فراهم کند. البته پیش از سفر به دخترکم یادآوری کردم بسیاری از تصاویر این فیلم هلی‌شات و برخی دیگر مکان‌هایی است که ممکن است نتوانیم به آنجاها برویم یا در صحنه‌سازی سریالی طراحی شده‌اند و ممکن است در واقع این‌گونه نباشند.

اما آنچه در استان سحرآلود کرمانشاه با آن مواجه شدیم، حکایت دیگری بود. غیر از «طاق بستان» که مسئولانش امکان بازدید تا ساعت ۹ شب را فراهم کرده‌اند (که دیدنش در شب صدبرابر روز، زیبایی به جان آدمی می‌ریزد)، دیگر اماکن دیدنی کرمانشاه، با تاریخی که به دوران اشکانیان و ساسانیان می‌رسد، قافیه را باخته‌اند. زمان دیدن محوطه تاریخی «بیستون» از ابهت آثاری که با بی‌توجهی بسیار و زیر عنوان حفاظت رها شده‌اند، حیرت می‌کنیم. مسیر پیاده‌روی طولانی و زیر آفتاب داغ بدون حتی یک آبخوری ساده، بدون یک سایبان، بدون حتی کیوسکی برای خرید آب یا آذوقه و... سنگ عظیمی که هیبت پادشاه اشکانی روی آن حک شده، زیر آفتاب سوزان تابستان و بعدتر زیر گزند باد و باران و برف زمستان، فقط زیر طاقی فلزی قرار دارد و به معرفت بازدیدکننده است که روی آن نمی‌نشیند یا تکیه نمی‌دهد یا خوراکی رنگی‌اش را به آن نمی‌مالد.

قراردادن این سنگ‌نگاره تاریخی درون محفظه شیشه‌ای یا حفظ آن به‌هر شکل علمی دیگر چقدر هزینه دارد؟ آیا یکی از بانک‌ها که عناوین زیبای پاسارگاد و پارسیان و بانک گردشگری و... را به یدک می‌کشند و حتی نامشان را وامدار تاریخ ایران هستند، نمی‌توانند اعتباری برای چنین کاری اختصاص دهند؟ آیا آنها تنها می‌توانند حامی مالی برنامه‌های طنز و کمدی‌هایی با تاریخ‌مصرف‌های کوتاه در پلتفرم‌ها شوند؟ مسیری حدوداً پانصدمتری که حتی یک سایبان برای در امان‌ماندن گردشگر از آفتاب طراحی نشده است. مردی می‌پرسد چطور در مسیر اماکن زیارتی سایبان و مه‌پاش‌های زیادی طراحی می‌شود و اینجا نه؟

فارغ از اینکه شاید مقایسه دو مقصد برای برخی چندان مطلوب به‌نظر نیاید، اما این سؤال می‌تواند نشانگر چالش و مسئله‌ای جدی باشد؛ مسئله‌ای که به همین ترتیب در طوس و مقبره فردوسی بزرگ، در مرودشت و بازدید از تخت‌جمشید باشکوه ازدست‌رفته به‌شدت بازدیدکننده را آزار می‌دهد. اما می‌توان به‌سادگی با نصب سایبان در مسیرهای پیاده‌روی یک بازدید جذاب با خستگی و گرمازدگی کمتر برای مردم رقم زد.

برگردیم به مصائب اماکن گردشگری کرمانشاه؛ مکان تاریخی بعدی در همان محوطه بیستون، «غار شکارچیان» است که به‌دلیل بی‌توجهی و رهاشدگی به‌جای تأمل در زندگی غارنشینان، درنهایت می‌تواند لبخندی بر لب بازدیدکنندگان بنشاند.

اما شاه‌بیت بازدید از بیستون، «کتیبه داریوش» است که با اندوه باید گفت قابل دیدن نیست. فکرش را بکنید از تهران برنامه‌ریزی کرده‌ای تا به بیستون بروی و کهن‌ترین کتیبه جهان را در دل کوه به تماشا بنشینی، اما فقط می‌توانی آن را از دور ببینی و تصویر نزدیک آن در عکسی است که روی تابلویی پای کوه نصب شده. ارتفاع بلند کتیبه در حال تعمیر است و داربست‌ها اجازه نمی‌دهد با چشم غیرمسلح به‌جز تصاویر مبهم چیز دیگری را زیر ستیغ نور آفتاب ببینی. چه طنز تلخی است که داریوش اصرار داشت با نوشتن متن کتیبه و ارسال آن به تمام سرزمین ایران همگان را از محتوای آن مطلع کند، ولی اکنون حتی حاضران در بیستون هم امکان دیدن کتیبه را ندارند. در پایین‌دست کتیبه داربست‌هایی برای مرمت نصب کرده‌اند که متصدی محوطه می‌گوید از ۱۰ سال پیش در آنجا برقرارند و هر از گاهی مهندسی می‌آید و سری می‌زند و کاری انجام می‌شود و می‌رود. چه زمانی قرار است این تعمیرات به پایان برسد؟ یکی از نگهبانان بیستون می‌گوید اطلاعی ندارد. احتمالاً اتمام این داربست‌بندی و تعمیرات هم می‌رود کنار داربست‌بندی‌ها و ساخت‌وسازهایی که گویی پایانی ندارند؛ همچون مصلای تهران.

با خودم می‌اندیشم برای بازدید از کتیبه داریوش در بیستون، خرید تعدادی دوربین و امانت‌دادن آنها به بازدیدکننده راحت‌ترین راه است؛ نه خطر طراحی مسیر پیاده‌روی و آسیب به اثر تاریخی وجود دارد و نه بودجه هنگفتی می‌طلبد. اما آیا وزارت میراث‌فرهنگی چنین همتی دارد؟

اثر تاریخی دیگری هم در دامنه کوه بیستون است که گویا به مذاق «شیخ علی‌خان زنگنه»، وزیر شاه سلیمان صفوی، خوش نیامده و تصمیم گرفته وقف‌نامه‌اش را بر میانه نقش‌برجسته مهرداد و گودرز اشکانی بکوبد و چنان شود که راهنمای صوتی مجموعه به‌صراحت بگوید: در بیستون تاریخ به هم رسیده، اما نه در گفت‌وگویی آرام که در تداخلی تلخ.

جالب اینجاست که همه این آثار در یک محوطه و بدون مسیر دسترسی پیاده بهسازی‌شده قرار دارند و باید مسیر سرگین بزها را دنبال کنی تا بدون سُرخوردن و پیچ‌خوردن و کشیدگی تاندون پا بتوانی به مقصد برسی. در نظر داشته باشید مسیر پیاده بهسازی‌شده در پایین‌دست کوه است و آثار در لابه‌لای کوه.

اثر تاریخی دیدنی بعدی معبد آناهیتا در شهر کنگاور است؛ محوطه‌ای بزرگ که تنها چیزی که نصیب گردشگر می‌شود، دیدن سنگ‌های بزرگ و کوچک رهاشده است. مسئولان میراث فرهنگی حتی به خود زحمت نداده‌اند که به‌غیر مجموعه‌ای از راهنماهای کلی در ابتدای در ورودی و با فاصله زیاد از آثار قرار دارند، توضیحات کاملی در کنار هر بخش این معبد بنویسند که تعریفی از معبد به دست بازدیدکننده بدهد. تازه پس از اتمام بازدید باید سری به اینترنت زد و از گوگل پرسید اینجا که من دیده‌ام، چه بوده و چه سرگذشتی داشته است. تمامی آثار در معرض هوای آزاد و باد و باران رها شده‌اند. بازدید از اماکن دیدنی واقع در داخل شهر کرمانشاه هم حکایت تلخ دیگری دارد.

مسجد شافعی‌ها که یکی از جاذبه‌های تاریخی این شهر است، درهایش را به دستور مقامات شهر به روی بازدیدکنندگان بسته است. یکی از کسبه که دکانش کنار مسجد قرار دارد، می‌گوید گویا زن‌هایی بدون حجاب در آنجا عکس گرفته‌اند و پس‌ازآن، درها به روی گردشگران بسته شده‌اند. فقط بخش غیرگردشگری مسجد برای به‌جاآوردن نماز اهالی بازار باز است و جمعه‌ها که مسجد پایین شلوغ می‌شود، مسجد شافعی‌ها باز می‌شود؛ آن‌هم فقط برای اقامه نماز مردان. در انتهای این بازار مسجدی با چند قرن تاریخ و معماری مسحورکننده تعطیل است و در کشور همسایه، ترکیه، مساجدی با همین نوع معماری، سالانه صدها هزار گردشگر را به‌سوی خود می‌کشانند. سؤال بی‌جایی است اگر بپرسیم درآمد گردشگری ایران در مقایسه با ترکیه چگونه است و چرا؟

بخش زیادی از اماکن دیدنی داخل شهر کرمانشاه اطراف بازار شهر واقع شده، اما دسترسی به آنها سخت است و دریغ از حتی چند تابلوی راهنما. طبیعتاً بازار هر شهر ترافیک روزمره خود را دارد که حتی پارکینگ‌های اطراف کفاف مراجعان عادی را هم نمی‌دهد، چه رسد به گردشگران. مسیریاب‌ها در اواسط بازار قطع می‌شوند و اگر آشنا نباشی، اغلب کوچه‌های بن‌بست و مسیرهای پیاده طولانی را باید بروی و برگردی.

مشخص نیست که چرا برای مناطق گردشگری داخل بازار چند تابلو وجود ندارد که تاریکه‌بازار یا مسجد شافعی‌ها یا حمام و... را نشان دهد؟ چنین کاری برای اداره وزین میراث‌فرهنگی کرمانشاه چقدر هزینه دارد؟

اگر در اینترنت جست‌وجو کنید، درمی‌یابید شهر کرمانشاه آثار تاریخی دیدنی بسیاری دارد، اما بسیاری از آنها یا در حال تعمیر هستند که مشخص نیست چه زمانی تمام می‌شود یا اینکه تعطیل شده‌اند.

در یک کلام، آثار تاریخی چه در کرمانشاه و چه شهرهای دیگر، در برابر اقامتگاه‌ها و اماکن تاریخی که به کافه و رستوران و هتل تبدیل شده‌اند و خدمات ویژه‌ای ارائه می‌کنند، عرصه را باخته‌اند.

وقتی به‌سختی از ترافیک بازار عبور می‌کنی و خود را در پایین‌دست بازار از کوچه‌پس‌کوچه‌ها به موزه پارینه‌سنگی و تکیه بیگلربیگی و موزه آیینه می‌رسانی و می‌بینی کل موزه پارینه‌سنگی یک اتاق است با دو-سه استخوان جمجمه و مابقی دندان و دنده شیر و گراز و یک مجسمه مرد غارنشین که بیشتر شبیه تن‌پوش ترسناک تونل‌های وحشت شهربازی‌ها است، واقعاً جا می‌خوری. آن‌طرف‌تر قرآن‌های دست‌نویس به‌خاطر مرمت جمع‌آوری شده و فقط میزهای خاک‌گرفته باقی مانده‌اند.

تکیه بیگلربیگی یا همان موزه آیینه هم که آنقدر چیزهای اضافه از انواع ساعت و لوستر و چراغانی دارد که نمی‌دانی کدامش متعلق به چه دوره‌ای است. راهنما هم که هیچ! ما با راهنمایی کارگر جلوی در که در حال سیمان‌کاری بود، وارد ساختمان شدیم. مسئول فروش بلیط هم جوری یله داده بود که از اینکه مزاحم اوقات شریفش شوم، خجل شدم.

این سؤال هنوز برایم مطرح است که چرا زمان ارسال پیامک حجاب از هر نقطه‌ای عبور می‌کردی، شناسایی می‌شدی و برایت پیامک می‌آمد، اما نمی‌توانند همان مکانیزم را در مورد نقاط گردشگری اجرایی کنند؟

چرا میراث‌فرهنگی از گزینه‌های پیامک‌های گردشگری استفاده نمی‌کند؟ وقتی اولین نقطه‌ای که از خودپردازهای «تفریحاتی» بلیط تهیه می‌کنی و شماره موبایل را وارد می‌کنی، می‌تواند گزینه‌هایی برای گردشگر پیامک شود که آیا اطلاعاتی در مورد اماکن گردشگری شهر لازم دارد یا خیر؟ درصورت مثبت‌بودن جواب مخاطب می‌توان وضعیت هر مکان تفریحی و حتی ساعت بازدید و آدرس و موقعیت آن را پیامک کرد؛ همان‌طورکه کاهلی میراث‌فرهنگی در این سال‌ها موجب شده هزاران سایت و درگاه دیگر با دادن اطلاعات غیر روزآمد، برای خود مخاطب جذب کنند.

جالب اینجاست که کرمانشاه یکی از مسیرهای عبوری کاروان‌های زیارتی اربعین است و با طراحی برنامه‌هایی برای گردشگری داخلی و به‌اندازه توقفی کوتاه و رفع خستگی زائران اربعین می‌تواند فرصتی عالی برای رونق گردشگری شهر فراهم شود. اگر بازدید از بیستون و اماکن تاریخی شهر برای گردشگری که می‌خواهد زمینی سفر کند، با خستگی کمتری همراه باشد، حتماً از آن استقبال خواهد کرد؛ در غیر این‌صورت فقط از کنار آن عبور می‌کند. از کرمانشاه که بیرون می‌آییم، صدای زن و مردی در گوشم می‌پیچد که منصرف از بازدید محوطه بیستون به‌دلیل قیمت بلیط ۶۰هزار تومانی به نگهبان می‌گفتند، «مگه چی اینجا هست؟»

کرمانشاه نمونه‌ای است از آنچه در میراث‌فرهنگی ایران رخ می‌دهد؛ چرخه‌ای از کاهلی و بی‌اعتنایی و بروکراسی بیمارِ نهاد دولت و بی‌اعتنایی شهروندان به تاریخ بلند سرزمین بزرگ ایران.

«نوشین ساطعی» در گفت‌وگو با «پیام ما» مطرح کرد

دهه‌شصتی‌ها تابوی زن حفاظتگر را شکستند

زنان حفاظتگر تابوی حضور زنان در فعالیت‌های میدانی را شکستند و تا حدی مسیر را بازکردند، اما چالش‌ها کاملاً از بین نرفته‌اند

فرزانه اعتزادی فر

| فاطمه باباخانی |
| روزنامه‌نگار |

«در هیچ‌یک از دوره‌های کاری‌ام فعالیت در حوزه حفاظت از حیات‌وحش برای زنان آسان نبوده؛ چه برسد به دوران ما که پیش از آن هیچ زن حفاظتگری به‌صورت میدانی فعالیت نداشت. این موضوع برای ما دختران تازگی داشت و گاهی اضطراب‌آور بود. نوع نگاه و رفتار استادانی مانند مهندس ضیایی به ما کمک کرد. او برای شکستن ذهنیت‌های سنتی و ایجاد باور در ما، فرصت تجربه‌های واقعی را برایمان فراهم کرد.» اینها گفته‌های «نوشین ساطعی» است که در دهه ۸۰ پا به عرصه حفاظت گذاشت. او متولد سال ۶۳ در اصفهان است، در مقطع تحصیلی کارشناسی در رشته محیط‌زیست تحصیل کرد و فوق‌لیسانسش را در رشته تنوع‌زیستی دریافت کرد. ساطعی جزو نسلی از حفاظتگران است که در دوران اوج انجمن‌ها فعالیت می‌کردند؛ جوانانی که به امید فردای بهتر برای یوز روز و شب در بیابان‌ها در حال کار بودند. بااین‌حال، او هم پس از دوره‌ای از حوزه کار میدانی کناره گرفت و این روزها بیشتر درگیر ارتباط هنر و حفاظت است. او در این گفت‌وگو تجربه آن سال‌ها، فعالیت‌های امروزش و شروطی را که درصورت تحقق آنها به این حوزه برمی‌گردد، شرح داده است.

چرا محیط‌زیست و حفاظت؟ چه شد سراغ این حوزه رفتید؟

علاقه‌ام به طبیعت از دوران کودکی شکل گرفت؛ زمانی که بیشتر اوقاتم در دل طبیعت می‌گذشت و حتی بازی‌هایم در فضای باز و میان درختان و کوه و دشت بود. همین علاقه باعث شد هنگام انتخاب رشته در کنکور، به‌دنبال نزدیک‌ترین حوزه به طبیعت باشم. اگرچه در دانشگاه دولتی اصفهان در رشته پرستاری پذیرفته شدم، اما درنهایت رشته محیط‌زیست دانشگاه آزاد را انتخاب کردم.

علاقه‌ام به حفاظت و شناخت محیط‌زیست طبیعی و حیات‌وحش، زمانی عمیق‌تر و جدی‌تر شد که در دوره کارشناسی با اساتیدی مانند مهندس ضیایی، دکتر اسدی، دکتر بهروزی‌راد و دیگر استادان برجسته کلاس داشتم. درواقع، گذراندن واحدهای نظری و عملی این دروس، حس کنجکاوی من را برانگیخت و کمکم کرد بفهمم واقعاً هدفم از تحصیل در این رشته چیست. البته نباید از تأثیر الگوهای موفقی مانند آقای هومن جوکار و هم‌نسلان ایشان غافل شد؛ آشنایی با شیوه کار و انگیزه‌های آنها و همچنین شناخت ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و تاریخی ایران در کنار شرکت در دوره‌های اکوتوریسم، باعث شد در مسیر و هدفم برای آینده مصمم‌تر شوم.

شما جزو اولین کسانی بودید که سراغ حفاظت از یوز رفتید، چرا؟ و در آن سال‌ها برای حفاظت از این گونه چه می‌کردید؟

به‌نظرم آن دوران را می‌توان نقطه اوج فعالیت‌های جوانان محیط‌زیستی در ایران دانست؛ هم به‌واسطه شکل‌گیری نهادهای مردمی و نگرش مثبت مدیریت و سازمان محیط‌زیست وقت نسبت به حفاظت از طبیعت و هم به‌دلیل حضور استادانی کاربلد که صرفاً به کارهای کتابخانه‌ای و نظری بسنده نمی‌کردند، بلکه هدفشان تربیت نیروهای متخصص و آموزش عملی بود. در آن زمان فضایی شکل گرفته بود که واقعاً برای افراد علاقه‌مند و مستعد، امکان تجربه‌کردن، آموختن و فعالیت میدانی فراهم می‌شد.

از سوی دیگر، ارتباط میان استادان و کارشناسان نیز بسیار سازنده و گسترده بود. ما از طریق استادانی چون مهندس ضیایی، دکتر اسدی و دکتر کهرم، با بسیاری از چهره‌های برجسته دانشگاهی کشور همچون دکتر کیابی، مهندس زهزاد، دکتر کرمی، مهندس هنریک مجنونیان و حتی کارشناسان بین‌المللی در ارتباط بودیم. فضای علمی و حرفه‌ای بازتر بود، ارتباطات ساده‌تر برقرار می‌شد و منابع انسانی و اطلاعاتی در دسترس‌تر بودند. در همان سال‌ها، مهندس ضیایی مسئولیت مدیریت «پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی» را برعهده گرفتند و از همه دانشجویان و کارشناسان مستعد در سراسر ایران دعوت کردند ضمن آموزش دیدن زیر نظر متخصصان داخلی و خارجی، در این پروژه مشارکت کنند. من هم به‌واسطه علاقه‌ام به این حوزه، در پروژه پذیرفته شدم و درواقع نقطه آغاز فعالیت حرفه‌ای من از همان‌جا رقم خورد.

آن زمان در جریان سرشماری یوز در منطقه نایبندان طبس فعالیت داشتم و به همین دلیل موضوع پایان‌نامه کارشناسی‌ام را نیز به همین حوزه اختصاص دادم. بعدها، با گسترش پروژه یوز و تشکیل انجمنی به‌نام بوم‌پژوهان همراه با چند تن از دوستانم، پروژه‌های کوچک‌تری را در زمینه امکان‌سنجی حضور یوز در زیستگاه‌های بالقوه، توانمندسازی و آموزش جوامع محلی درباره حفاظت از یوز اجرا کردیم. سپس، با توجه به تجربیاتی که از پروژه یوز و دوره‌های آموزشی آن کسب کرده بودیم و با تکیه بر ظرفیت انجمن خود، در پروژه‌های دیگری نیز مشارکت کردیم؛ از جمله «حفاظت از درنای سیبری»، «اطلس پستانداران ایران»، «تعیین فلور منطقه زاگرس» و «مطالعه رفتارشناسی و زادآوری زاغ بور». درواقع، فضایی که پروژه یوز برای نسل من فراهم کرد، به‌نوعی سکوی پرتابی بود برای ورود جدی‌تر به مسیر حفاظت از طبیعت، مسیری که هم انگیزه‌بخش بود و هم زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌ای سالم از ارتباط و تبادل اطلاعات میان فعالان و پژوهشگران آن دوره شد.

آن سال‌ها اوج کار انجمن‌ها بود، اما آیا زنان هم فعالیتشان مشابه انجمن‌ها آسان بود؟

در هیچ‌یک از دوره‌های کاری‌ام ندیده‌ام فعالیت در حوزه حفاظت از حیات‌وحش برای زنان آسان باشد؛ چه برسد به آن دوران که تقریباً تا پیش‌ازآن، هیچ زن حفاظتگری به‌صورت میدانی فعالیت نداشت. طبیعی بود که این موضوع برای ما دختران هم تازگی داشت و گاهی اضطراب‌آور بود. اما چیزی که در آن دوره بسیار کمک‌کننده بود و به ما روحیه و اعتمادبه‌نفس می‌داد، نوع نگاه و رفتار استادانی مانند مهندس ضیایی بود. ایشان به‌خوبی می‌دانستند برای شکستن ذهنیت‌های سنتی و ایجاد باور در ما، باید فرصت تجربه‌های واقعی را فراهم کنند. به همین دلیل، گاهی دشوارترین و چالش‌برانگیزترین مأموریت‌ها را عمداً به دختران می‌سپردند تا به ما و دیگران نشان دهند زنان هم می‌توانند در این عرصه توانمند و مؤثر باشند و هیچ محدودیتی برای حضور میدانی آنها وجود ندارد. ناگفته نماند که نقش مهندس ضیایی و همکار ایشان در بخش آموزش پروژه، جناب جمشید فاضل، در شکل‌گیری این اعتماد و یادگیری شیوه تعامل درست ما زنان حفاظتگر با محیطبانان و جوامع محلی بسیار تعیین‌کننده بود.

برای رفع چالش‌هایی که پیش رویتان بود چه کردید؟

واقعیت این است که در آن دوران، تنها راه ما صبوری و ادامه دادن بود؛ راهی جز این نداشتیم. باید می‌ماندیم، تلاش می‌کردیم و قدم‌به‌قدم خودمان را ثابت می‌کردیم تا اعتماد جلب شود. گاهی عمداً خودمان را در موقعیت‌هایی قرار می‌دادیم که سخت و پرچالش بودند، فقط برای اینکه نشان دهیم توان انجامش را داریم. به خاطر دارم در پروژه توران، رئیس منطقه در آن زمان جناب احمد عجمی، که واقعاً مدیونشان هستم و از ایشان بسیار آموخته‌ام، در هفته اول حتی با من صحبت هم نمی‌کردند. اما من مدام رفت‌وآمد می‌کردم، گفت‌وگو می‌کردم، سؤال می‌پرسیدم و سماجت به خرج دادم تا بالاخره یخ فضا شکست. وقتی دیدند شب‌ها برای اینکه محیطبانان دیگر راحت‌تر استراحت کنند، بیرون از اتاق و در سرما داخل کیسه‌خواب می‌خوابیم و صبح‌ها پیش از همه بیدار می‌شویم و با دوربین در حال رصد پرنده‌ها هستیم، یک روز صدایم کردند پای بساط چای آتشی و گفتند: «خب، حالا راستش رو بگو ببینم، شما می‌خواین اینجا چیکار کنین؟»

ما یاد گرفته بودیم برای هدفی که داریم، باید بجنگیم و خودمان را ثابت کنیم؛ گاهی با سکوت و گوش‌دادن، گاهی با صبوری و گاهی با بیان نظر و نگاهمان. یاد گرفته بودیم فضا را مدیریت کنیم. خیلی وقت‌ها محیطبان‌ها هم ما را در سخت‌ترین شرایط امتحان می‌کردند. یادم است یکی از دوستانم حاضر نبود کرم ضد آفتاب بزند، مبادا تصور کنند نمی‌تواند کار میدانی انجام دهد.

به‌نظر شما امروز فعالیت زنان در عرصه حفاظت و محیط‌زیست چطور است؟

قطعاً فضا بسیار بهتر و هموار است. نسل ما تابوی حضور زنان در فعالیت‌های میدانی را شکست و تا حدی مسیر را باز کرد. اما با وجود گذشت این‌همه سال، هنوز هم احساس می‌کنم چالش‌ها کاملاً از بین نرفته‌اند. برای من ناراحت‌کننده است که می‌بینم گاهی همکاران مرد، نه از روی باور شخصی بلکه به‌دلیل ساختارهای اداری و فشارهایی که از سمت حراست یا مقررات سازمانی وجود دارد، ترجیح می‌دهند خانم‌ها در پروژه‌های میدانی حضور نداشته باشند. در زمان ما مدیران پروژه‌ها و اساتید شجاع‌تر بودند. اهل ریسک بودند و باور داشتند باید حضور زنان در حفاظت جا بیفتد؛ حتی اگر لازم بود با مقاومت‌ها مواجه شوند. آنها قانع می‌کردند، دفاع می‌کردند و فضا را باز نگه می‌داشتند. اما امروز مدیران مرد، دیگر حوصله سروکله زدن با آن چالش‌های اداری و حساسیت‌های غیرضروری را ندارند؛ ترجیح می‌دهند پروژه بی‌دردسر جلو برود، حتی اگر به قیمت حذف نیروهای توانمند زن تمام شود. از سوی دیگر، در بدنه سازمانی هم هنوز نگاه واحدی وجود ندارد. همه‌چیز خیلی سلیقه‌ای شده. در بعضی مناطق، مدیر یا حراست منطقه به‌قدری محتاط است که حضور زنان در پروژه‌های میدانی، به‌ویژه پروژه‌هایی که جنبه حفاظتی مستقیم دارند، برایشان خط قرمز محسوب می‌شود. درحالی‌که در مناطق دیگر، همان کارها بدون هیچ مشکلی انجام می‌شود. این دوگانگی آزاردهنده است و نشان می‌دهد هنوز مسیر برابری واقعی، در سطح ساختارها طی نشده است.

در این سال‌ها چه می‌کنید؟ چقدر آن تجربه حفاظت را در فعالیت‌های امروزتان می‌بینید؟

تا حدود سه سال پیش، به دعوت دوستان در چند پروژه مرتبط با «حفاظت مشارکتی» همکاری داشتم. اما همان مسائلی که پیش‌تر گفتم، به‌ویژه نوع نگاه و رفتار برخی همکاران در فضای کاری، باعث شد به‌تدریج دلسرد شوم. امروز در بسیاری از پروژه‌ها، متأسفانه هدف مهم‌تر از مسیر و وسیله تلقی می‌شود و نگاه‌ها اغلب کوتاه‌مدت و نتیجه‌محورند، نه فرایندمحور.

در حال حاضر، فعالیت اصلی‌ام با مؤسسه‌ای به‌نام هورژین است؛ مؤسسه‌ای که خودم پایه‌گذاری‌اش کرده‌ام و بر معرفی، گردآوری، طراحی و بازتولید هنرهای بومی ایران متمرکز است. درواقع، سال‌ها تجربه کار در کنار جوامع محلی به من آموخت حفاظت تنها در طبیعت خلاصه نمی‌شود؛ فرهنگ، هنر و دانش بومی نیز بخشی از همان میراث زنده‌اند که باید پاسداری شوند.

کار میدانی و حفاظت مشارکتی با جوامع محلی به من یاد داد عشق به ایران، یعنی صبوری کردن، شنیدن، یاد گرفتن و باور داشتن به اینکه هر تغییر پایداری در بستر زمان شکل می‌گیرد. دغدغه من همیشه فرهنگ، تاریخ و طبیعت ایران بوده و است. فکر می‌کنم با تخصیص درصدی از سود فعالیت‌های هورژین به طرح‌های حفاظتی، بتوانم همان حس تعهد و دلبستگی‌ام را تا حدودی زنده نگه دارم.

در چه صورتی حاضرید به حوزه کار میدانی برگردید؟

اگر احساس کنم حضورم برای هر شخص یا مجموعه‌ای که دغدغه حفاظت دارد و پروژه‌ای در این زمینه پیش می‌برد، می‌تواند مؤثر باشد و آنها هم چنین باوری داشته باشند، با دل و جان همکاری می‌کنم. اما واقعیت این است که در چند مورد اخیر، به‌تدریج به این نتیجه رسیدم نقشم آنقدر که باید، مؤثر نیست. به همین دلیل تصمیم گرفتم ادامه ندهم.

آینده حفاظت را چطور می‌بینید؟

واقعیت این است که به نسل خودمان و نسل آینده بسیار امیدوار بودم. نسل ما در بستر فکری استادانی مانند آقای ضیایی شکل گرفت؛ افرادی که می‌جنگیدند، امید داشتند و مهم‌تر از همه، نگاه بلندمدت داشتند. منافع شخصی و اسم و رسم در درجه دوم اهمیت بودند. به همین دلیل، ما انگیزه و امید داشتیم. هر یک از بچه‌ها احساس امنیت روحی و مفید بودن نسبت به کارشان داشتند و ارتباطاتمان سالم و صادقانه بود؛ مثل بچه‌های یک خانواده که پدران مقتدر و دانا بالای سرشان هستند. اما امروز، شرایط تغییر کرده است. فعالیت‌ها، افراد، دغدغه‌ها و منافع، همه شخصی‌سازی و گروه‌بندی شده‌اند و نگاه‌ها کوتاه‌مدت است. پروژه‌ها در بازه‌های زمانی کوتاه و به‌صورت چک‌لیست‌محور جلو می‌روند و درنهایت، بیشتر جنبه نمایشی پیدا می‌کنند. شعارهایی که در عمل می‌بینیم، معمولاً موقتی و مقطعی هستند و این واقعیت می‌تواند دلسردکننده باشد. این گسستگی، جزیره‌ای شدن فعالیت‌ها و نگاه «خودی و غیرخودی»، باعث می‌شود چشم‌انداز حفاظت در عمل سخت و پیچیده باشد. شاید بدبین باشم، اما تا این مسائل ریشه‌ای حل نشود، تحقق اهداف بلندمدت و پایدار دشوار خواهد بود.

یادداشت

دیپلماسی حفاظت، راهی برای حل چالش صید پرندگان شکاری

| ایمان ابراهیمی |
| حفاظتگر پرندگان |

یکی از بحث‌هایی که در طول برگزاری کنگره اتحادیه جهانی حفاظت و پس‌ازآن، بین کارشناسان حیات‌وحش در ایران جریان داشت، به وضعیت قاچاق پرندگان شکاری به امارات به‌عنوان میزبان این کنگره برمی‌گشت. در این کنگره به‌عنوان میهمان حضور داشتم و با نمایندگانی از چند نهاد دراین‌باره صحبت و در چند جلسه شرکت کردم. یکی از آنها Environment Agency امارات بود که متولی حفاظت طبیعت در کشور امارات است و دیگری، شامل بنیاد «بن‌زاید» که تمرکز ویژه‌ای روی پرندگان شکاری دارد و انجمن «بردلایف» می‌شدند. به‌علاوه با چند مقام دولتی که به‌شکل مستقیم یا غیرمستقیم در این حوزه فعال بودند و چند نفر از مقامات مغول هم وارد گفت‌وگو شدم.

در مجموع، صحبت‌ها به‌گونه‌ای بود که گویی تمایلی به صحبت مستقیم در مورد صید پرندگان شکاری در ایران ندارند، هرچند به‌شکل کامل آن را انکار نمی‌کردند. آنها بارها در پاسخ به من گفتند «ما برنامه‌ای برای این موضوع نداریم» یا «در دستورکار ما نیست»، درحالی‌که در لایه پنهان موضوع، به‌نظر می‌آمد سیاستی دیگر در جریان بود.

این سیاست طوری طراحی شده که برای اماراتی‌ها می‌تواند سودآور باشد، اما برای ما زیان‌آور است. به‌طور مشخص، هدف آنها این است که خریدوفروش گونه‌هایی مثل بالابان یا دیگر شاهین‌های وحشی را به‌نحوی تنظیم کنند که فقط خانواده‌های متمول اماراتی یا کشورهای همسایه بتوانند به آنها دسترسی داشته باشند. یعنی از یک‌سو مقررات سختگیرانه‌ای بر شهروندان معمولی اعمال شود و از سوی دیگر، برای طبقات بالای جامعه و خانواده‌های سلطنتی اماراتی و عرب قاعده سختی وجود نداشته باشد. به‌این‌ترتیب، پس از مدتی چنین گونه‌هایی بخشی از دارایی خانواده‌های سلطنتی و طبقه بالا خواهند بود. طبیعتاً چنین سیاستی یک نتیجه ناخواسته هم دارد؛ اگر برداشت از جمعیت‌های وحشی پایدار نباشد، در بلندمدت حتی خود آن جوامع ثروتمند نیز با کمبود حضور پرندگان شکاری وحشی روبه‌رو می‌شوند. آنها فکر این قسمت را هم کرده‌اند و برای این موضوع برنامه‌ریزی دارند. اماراتی‌ها تلاش می‌کنند پروژه‌های مختلف نظیر پروژه‌های زادآوری گونه‌های شکاری در مغولستان را تحت پوشش و حمایت خود قرار دهند تا بتوانند نیاز بازار خود را تأمین کنند. این سیاست باعث شد ارتباط نزدیک و مستمری بین شرکت‌کنندگان اماراتی، قزاقستانی و مغولستانی در کنگره اتحادیه جهانی حفاظت در ابوظبی شکل بگیرد و مدام در حال اشتراک اطلاعات باشند.

در این گفت‌وگوها می‌دیدم اماراتی‌ها در تلاش‌اند تا در اراضی شمالی، زادآوری این پرندگان را تقویت کنند و درعین‌حال، تلفات غیرمرتبط با زنده‌گیری، مانند تلفات ناشی از خطوط انتقال برق را کاهش دهند. در برخی موارد این اقدامات موفق بوده‌اند و می‌خواهند آن را در کشورهای دیگر نیز امتحان کنند. درواقع سیاست آنها این است؛ تقویت حفاظت از پرندگان شکاری در مبدأ و مقصد مهاجرت، برداشت از جمعیت آنها در میانه مسیر مهاجرت. با توجه به این وضعیت، به‌نظر می‌رسد راه‌حل در دسترس ما این است که به‌اندازه‌ای قوی عمل کنیم که این «بازی» را به‌هم بزنیم؛ یعنی از طریق فشار سیاسی و دیپلماتیک سطح بالا به امارات نشان دهیم ایران نمی‌تواند و نباید به‌عنوان «مزرعه برداشت» برای این گونه‌ها دیده شود. البته اگر بخواهیم واقع‌بین باشیم، صرف جلوگیری از صید پرندگان شکاری از ایران پایان ماجرا نیست. اماراتی‌ها به این پروژه‌ها به‌شکل بلندمدت نگاه می‌کنند و می‌خواهند قوش‌بازی را به بخشی از تاریخ و فرهنگشان گره بزنند. در این حالت حتی اگر از ایران برداشت نداشته باشند، ممکن است برداشت‌ها را به کشورهای دیگری مثل ترکمنستان منتقل کنند. بنابراین، اثرگذاری روی جمعیت‌های مهاجر همچنان جدی خواهد بود.

درنتیجه از نظر نگارنده این مسئله نیازمند دو سطح اقدام است؛ اول، رایزنی و فشار سیاسی میان دو کشور تا از برداشت مستقیم در محدوده‌های ایرانی جلوگیری شود و دوم، همکاری علمی و محیط‌زیستی فراملی که هدفش محافظت از گونه‌ها در سطح گسترده‌تر باشد. این رایزنی‌های علمی باید بین زیست‌شناسان جانوری و سازمان‌های حفاظت محیط‌زیست شکل بگیرد تا امارات و دیگر طرف‌ها قانع شوند از برداشت «نوع وحشی» گونه‌ها در طبیعت صرف‌نظر کنند و درصورتی‌که قصد آنها برای حفظ سنت قوش‌بازی جدی است، آن‌را منحصر به پرنده‌های متولدشده در اسارت کنند.

امیدوارم ایران بتواند در این فرایند نقش فعالی داشته باشد، اما در وضعیت فعلی این امکان دور از ذهن به‌نظر می‌رسد. بااین‌حال، نه غیرممکن است و نه بی‌فایده، فقط نیاز به اراده سیاسی و همکاری علمی گسترده دارد.

خبر

حفاظت از محیط‌زیست محدود به یک سازمان نیست

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در گردهمایی مدیران و رؤسای آموزش دستگاه‌های اجرایی که سه‌شنبه، ۲۹ مهر، در سازمان حفاظت محیط‌زیست برگزار شد، بر اهمیت آموزش و نیاز به آگاه‌سازی در سطح تحولی و عملیاتی تأکید کرد. «شینا انصاری» در این گردهمایی که با شعار «آموزش اثربخش، زیربنای حکمرانی محیط‌زیست» برگزار شده بود، گفت: «یکی از بزرگترین تحولاتی که باید در حکمرانی محیط‌زیست رقم بزنیم، این است که وظیفه حفاظت از محیط‌زیست را صرفاً به یک سازمان متولی (سازمان حفاظت محیط‌زیست) محدود نکنیم. این موضوع باید در کل نظام اداری کشور ساری و جاری شود و در ساختارهای اجرایی کشور، مدیریت محیط‌زیست نهادینه شود.» گفت: «امروز شاهد رونمایی از سه بسته آموزشی خواهیم بود که می‌توانند نقطه‌عطفی در رویکرد ما به آموزش‌های محیط‌زیستی در بدنه دولت باشند. گردهمایی امروز با شعار «آموزش اثربخش، زیربنای حکمرانی محیط‌زیست» صرفاً یک شعار تبلیغاتی نیست بلکه یک نگاه تحولی و بنیادین به موضوع آموزش است. ما معتقدیم که هیچ نظام حکمرانی پایداری نمی‌تواند بر پایه‌های سست بنا شود.» رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ادامه داد: «حکمرانی مؤثر در قرن حاضر مستلزم برخورداری از سه رکن اساسی است که شامل دانایی، مهارت و مسئولیت‌پذیری می‌شود. اگر حکمرانی را ستون سیاستگذاری و اجرای کشور بدانیم، پیش‌ازآن باید ستون آموزش آن را مستحکم کنیم. آموزش، زیربنای تصمیم‌گیری‌های درست است. برای عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های محیط‌زیستی که امروز کشورمان با آنها مواجه است، از جمله چالش‌هایی نظیر خشکسالی، فرسایش خاک، آلودگی هوا و مدیریت پسماند نیازمند آن هستیم که رویکرد آموزش را از سطحی که تا پیش‌ازاین غالب بوده، ارتقا دهیم. ما باید آموزش را از سطح صرفاً آگاه‌سازی به سطح بالاتری یعنی سطح تحولی و عملیاتی ارتقا دهیم.» او تأکید کرد: «آگاه‌سازی همچنان لازم است، اما دیگر کافی نیست. ما باید به آموزش‌هایی بپردازیم که به‌طور مستقیم در تصمیمات مدیران ما تأثیر بگذارد؛ آموزش‌هایی که رفتار کارمندان را در سطوح مختلف عملیاتی اصلاح و در نهایت الگوی رفتاری برای کل دستگاه‌ها ایجاد کند. آموزش اثربخش، دانستن صرف نیست بلکه توانستن برای ساختن آینده‌ای پاک‌تر و سبزتر است، یعنی تبدیل دانش به کنش‌های هدفمند و قابل اندازه‌گیری.» معاون رئیس‌جمهوری اضافه کرد: «واقعیت این است که هیچ دستگاه اجرایی در کشور وجود ندارد که مأموریتی داشته و درعین‌حال، از محیط‌زیست منفک باشد. از بخش کشاورزی که مستقیماً با منابع خاک و آب درگیر است تا بخش آموزش و فرهنگ که مسئولیت شکل‌دهی به نگرش‌های نسل‌های آینده را دارد، همگی هم از محیط‌زیست تأثیر می‌پذیرند و هم بر آن تأثیر می‌گذارند. به همین دلیل است که هر کارمند در دولت، در هر پست و سطحی بخشی از زنجیره مسئولیت مدیریت محیط‌زیستی را برعهده دارد.» او افزود: «سازمان حفاظت محیط‌زیست پیش از این با صدور ابلاغیه‌هایی تلاش کرد موضوع مدیریت سبز را در داخل مجموعه خود جاری کند. این اقدامات شامل مواردی مانند بهینه‌سازی مصرف انرژی از طریق سامانه‌های الکترونیک، کاهش سفرهای غیرضروری اداری، استفاده از فناوری‌های کم‌مصرف و ترویج استفاده از انرژی‌های پاک در پروژه‌های سازمان است. این اقدامات عملی، هرچند کوچک نشان می‌دهد ما باید گام‌های عملی را از سازمان خودمان شروع کنیم؛ از داخل ادارات و ستادهای اجرایی.» رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ادامه داد: «اگر سازمان حفاظت محیط‌زیست خودش الگوی رفتار سبز نباشد و نتواند به‌شکلی کارآمد و سبز فعالیت کند، چگونه می‌تواند از دیگر سازمان‌ها و دستگاه‌ها و مهم‌تر از آن، از مردم انتظار رفتارهای همسو و سازگار با محیط‌زیست داشته باشد؟ الگو بودن، اولین قدم برای اعتبار بخشی به آموزش‌هاست.» او تأکید کرد: «آموزش اثربخش، تعریفی کاملاً کاربردی دارد. این آموزشی است که از کلاس‌های تئوری صرف خارج شود و در تصمیم‌گیری‌های روزمره ما به‌صورت عینی و عملی نمود پیدا کند. برای مثال آموزش اثربخش یعنی مدیر بودجه‌ریزی بداند هر عدد تخصیص یافته در بودجه چگونه می‌تواند بر مصرف منابع‌طبیعی، میزان تولید پسماند و مصرف انرژی در پروژه‌های آتی تأثیر بگذارد؟ مدیر قراردادها و تدارکات بداند در بند مفاد قراردادهای منعقده چگونه می‌تواند الزامات محیط‌زیستی (مانند استفاده از مواد بازیافتی یا حداقل مصرف آب) را لحاظ کند تا بر منابع آب، خاک و انرژی کشور تأثیر مثبت بگذارد؟» انصاری تأکید کرد: «آموزش اثربخش یعنی نه‌تنها ما دانش لازم را کسب کنیم بلکه کنش و واکنش ما در قبال موضوعات مرتبط چگونه باید باشد. این همان هدفی است که ما امروز در سه بسته آموزشی جدید دنبال می‌کنیم؛ بسته‌هایی که قرار است دانش را به ابزاری برای تغییر رفتار و بهبود حکمرانی تبدیل کنند.» |ایسنا

خبر

غار باستانی سوراخ‌سوراخ شد

قاچاقچیان درون غار تاریخی (اشکفت) در یکی از روستاهای شهرستان سِپیدان در استان فارس را به‌بهانه یافتن گنج، سوراخ‌سوراخ کرده‌اند. «سیاوش آریا»، کنشگر و پژوهشگر میراث‌فرهنگی، از دست‌درازی به غارهای تاریخی خبر داده و گفته است: «یکی از این اِشکفت‌ها که در یکی از روستاهای شهرستان سِپیدان قرار دارد و از وضعیت حفاظتی و نگهداری بدی برخوردار است، مورد دست‌درازی سوداگران اَموال تاریخی و فرهنگی و قاچاقچیان به‌بهانه‌های یافتن گنجی که وجود خارجی ندارد، قرار گرفته و سودجویان به جان آن افتاده و کف اِشکفت را سوراخ‌سوراخ کرده و آسیب‌های برگشت‌ناپذیری را به آن وارد کرده‌اند. سودجویان ده‌ها حفاری غیرمجاز در کف این غار انجام داده‌اند. بدتر آنکه رحمی به سنگ‌های طبیعی درون اِشکفت نکرده و آنها را نیز شکسته و نابود کرده‌اند. همچنین، کنار دیواره‌های اِشکفت را با ابزار و آلات حفاری خُرد کرده و شکسته‌اند.» او در مورد اشکفت‌ها توضیح داده است: «یکی از یادگارهای مهم و ارزشمند فرهنگی کشور که از اهمیت بالایی در شناخت تاریخ ایران برخوردار است و نزد کارشناسان و پژوهشگران جایگاه ویژه‌ای در مطالعه‌های تاریخی و پژوهش‌های باستان‌شناختی و میان‌رشته‌ای دارد، اِشکفت‌های تاریخی است که با نام غار آن‌ها را می‌شناسیم. برخی از این اِشکفت‌ها زیستی به بلندای تاریخ دارند و از هزاران سال پیش انسان‌های نخستین در آن زندگی می‌کرده و آیین و آداب خویش را در همان اِشکفت‌ها برگزار می‌کردند. برخی از اِشکفت‌ها برپایه داده‌های باستان‌شناختی و اَبزارهای به‌دست‌آمده در آنها، از آنِ دوران پیش‌ازتاریخ و یا تاریخی هستند که به شناخت بیشتر ما از این دوران کمک بسزایی خواهند کرد. با این‌همه، بیشتر این اشکفت‌ها وضعیت خوبی از نظر حفاظت و نگهداری ندارند و مورد دست‌درازی سودجویان اموال تاریخی و فرهنگی و قاچاقچیان قرار گرفته‌اند و آسیب جدی به آنها وارد شده است.» این کنشگر میراث‌فرهنگی بیان داشته: «آنچه در خُور نگرش بوده، این است که راهیابی و دسترسی به غار مورد نظر سخت و دشوار است و روشن نیست سودجویان چگونه دست به حمل وسایل سنگین و ابزار و آلات حفاری زده‌اند. برای دستیابی به این اشکفت باید از کنار روستا گذشت و چگونه دهیاری روستا که مسئولیت حفاظت و پاسداری از یادمان‌های تاریخی را بر دوش دارد، با توجه به سروصدای ابزارهای حفاری، متوجه موضوع نشده است.»آریا در ادامه بیان کرد: «جستار دیگری که باید مورد نگرش قرار گیرد، موضوع تاریخی بودن اِشکفت و دیگر یادمان‌های تاریخی درون آن است، از اُستودان (جای نگهداری استخوان مردگان در ایران باستان) ساسانی و هاون سنگی گرفته تا سنگ‌نوشته اسلامی درون اِشکفت که همگی بر ارزش بیش‌ازپیش این اِشکفت تاریخی افزوده و آن را دارای اهمیت بیشتری، به‌ویژه از دید حفاظتی می‌کند.» این کنشگر میراث‌فرهنگی افزود: «از دیگر دست‌درازی‌ها و آسیب‌های واردشده در این اِشکفت تاریخی، انبوه یادگاری‌نویسی‌ها با رنگ است که سبب خَدشه‌دار شدن چشم‌اَنداز و یادمان تاریخی و آسیب جدی به آن شده است.» |ایسنا

| AP |

همسایه ایران در حال احیای شهرهای اسطوره‌ای چون بابل، اور، نینوا و بازیابی جایگاه خود در نقشه گردشگری جهان است

عراق؛ از میدان جنگ تا مقصد گردشگری

|پیام ما| عراق که روزگاری خود را گهواره تمدن می‌خواند، سال‌ها در دیکتاتوری صدام و پس‌ازآن، زیر غبار جنگ و بی‌ثباتی مدفون شد و از فهرست مقاصد گردشگری جهان خط خورد. امروز اما این کشور در پی ثبات نسبی، شاهد جرقه‌هایی از امید و بازسازی است و در تلاش است گذشته‌اش را به آینده‌ای روشن گره بزند. آمارهای گردشگری عراق در سال‌های اخیر گواه این تلاش است. عرب‌نیوز اخیراً گزارشی به قلم «جاناتان گورنال» درباره اقدامات این کشور در حوزه گردشگری منتشر کرده که نکات و آمارهایی قابل‌تأمل دارد. گورنال در این گزارش به تغییر سیاست‌های فرهنگی عراق اشاره کرده و حمایت‌هایی که از نهادهای بین‌المللی برای احیای میراث باستانی خود دریافت می‌کند. این رزوها بخش خصوصی ایران از تعامل در حوزه گردشگری با عراق می‌گوید، اما با بررسی دقیق‌تر سیاست‌های دو کشور می‌توان به این نتیجه رسید که این تعامل بیشتر مورد توجه عراق است که سال‌هاست گردشگران ورودی‌اش از ایران صرفاً در حوزه زیارت بودند. حالا این کشور با احیای نشانه‌های تمدنی چندهزارساله خود به‌دنبال گردشگران فرهنگی، به‌ویژه از کشورهای همسایه از جمله ایران، است. درعین‌حال، ایران نه در حوزه گردشگری و نه در حوزه حفاظت و احیای نشانه‌های تمدنی، وضعیت مطلوبی ندارد. نگاهی به آمارهای رسمی منطقه نشان می‌دهد درحالی‌که ایران به‌کلی بازار گردشگری را به وقایع و سیاست‌های اشتباه باخته است، کشورهای همسایه با اتخاذ سیاست‌های بلندمدت در حال رشد و رکوردشکنی در این حوزه‌اند.

عراق با احیای شهرهای اسطوره‌ای چون بابل، اور و نینوا، در حال بازیابی جایگاه خود در نقشه گردشگری جهان است. این کشور با ثبت رشد ۲۵ درصدی در درآمدهای گردشگری در سال ۲۰۲۴، نشان داد در حال حرکت به‌سمت اقتصادی متنوع‌تر است که قرار نیست فقط متکی به نفت باشد. اما این مسیر آسان نیست. بازسازی آثار تخریب‌شده توسط داعش، مانند مسجد تاریخی نوری و دروازه ایشتار، گام‌هایی‌اند که مدیران فرهنگی عراق در جهت احیای هویت فرهنگی کشورشان برداشته‌اند. تا جایی که «عبداللطیف رشید»، رئیس‌جمهور این کشور، در مراسمی که به مناسبت انتخاب بغداد به‌عنوان پایتخت گردشگری عرب برای سال ۲۰۲۵ توسط سازمان گردشگری عرب برگزار شد؛ تأکید کرد: «گردشگری فقط یک امر اقتصادی نیست، بلکه به تفاهم فرهنگی کمک می‌کند و زمینه‌ساز درک و همکاری میان مردم و فرهنگ‌هاست.» داستان امروز عراق، داستان بازگشت کشوری است که نه‌تنها می‌خواهد جاذبه‌های تاریخی و باستانی‌اش را به جهان معرفی کند، بلکه قصد دارد روایتش را بازنویسی کند. عراق دیگر نمی‌خواهد به‌عنوان کشوری بحران‌زده شناخته شود، بلکه به‌دنبال این است که خود را به‌عنوان زادگاه تمدن و مقصدی برای علاقه‌مندان به میراث‌فرهنگی جهان معرفی کند.

> عربستان با اجرای برنامه اصلاحات «چشم‌انداز ۲۰۳۰» به‌دنبال تنوع‌بخشی به اقتصاد خود از طریق گردشگری است عراق هم به این درک رسیده که باید از دارایی‌های فرهنگی خود به‌عنوان منبعی جایگزین نفت برای درآمدزایی استفاده کند

از میدان‌های نفتی به محوطه‌های باستانی

«جاناتان گورنال» در گزارش خود با عنوان «عراق چگونه در حال احیای میراث باستانی خود برای تبدیل‌شدن به یک مقصد گردشگری فرهنگی است» نوشته است: «اقتصاد عراق سال‌هاست که به‌شدت به سوخت‌های فسیلی وابسته است؛ این کشور از ذخایر عظیم نفت و گاز برخوردار است و در سال ۲۰۲۳، پس از عربستان سعودی، دومین تولیدکننده بزرگ نفت خام جهان بود. اما همان‌طورکه عربستان با اجرای برنامه اصلاحات «چشم‌انداز ۲۰۳۰» به‌دنبال تنوع‌بخشی به اقتصاد خود از طریق گردشگری است، عراق هم به این درک رسیده که باید از دارایی‌های فرهنگی خود به‌عنوان منبعی جایگزین نفت برای درآمدزایی استفاده کند و به همین دلیل است که به‌دنبال توسعه گردشگری مبتنی‌بر میراث‌فرهنگی است.» هر چند در حال حاضر غالب گردشگران ورودی به عراق گردشگران زیارت هستند که تنها در زمان‌های مشخصی از سال به چند شهر این کشور سفر می‌کنند، اما تأکید این کشور در چشم‌اندازی که ترسیم کرده، گردشگری مبتنی‌بر آثار باستانی است.

«نبیل المرسومی»، استاد اقتصاد دانشگاه بصره، اعلام کرده است طبق آمار رسمی درآمد گردشگری عراق در سال ۲۰۲۴ به ۵.۷ میلیارد دلار افزایش یافته که ۲۵ درصد بیشتر از ۴.۶ میلیارد دلار سال ۲۰۲۳ است. در این آمار سهم بازدیدکنندگان از میراث باستانی این کشور قابل‌توجه نیست، اما تلاش برای افزایش این سهم در سیاستگذاری‌های این حوزه دیده می‌شود.

«بندیکت مونتلور»، مدیرعامل صندوق جهانی بناهای تاریخی که با دولت عراق در حوزه باستان‌شناسی و میراث‌فرهنگی در بازسازی چند سایت مهم در این کشور همکاری دارد، معتقد است: «میراث‌فرهنگی عراق از جمله غنی‌ترین میراث‌های فرهنگی در جهان است. اینجا جایی است که برخی از نخستین شهرها، نظام‌های نوشتاری و قوانین بشری شکل گرفتند.» به‌باور مونتلور، ایجاد و رونق گردشگری فرهنگی زمان‌بر است، اما عراق در این زمینه پتانسیل قابل‌توجهی دارد. مونتلور به ثبت بابل در فهرست میراث جهانی یونسکو در سال ۲۰۱۹ اشاره کرده و گفته است: «این اتفاق یک نقطه‌عطف مهم بود که می‌توان گفت زمینه‌ساز بازگشت عراق به‌عنوان مقصد فرهنگی و توجه دوباره جهان به تاریخ شگفت‌انگیز آن است.»

نظامیان آمریکا در پایتخت حمورابی

سال‌ها جنگ، بی‌توجهی دیکتاتوری عراق به نشانه‌های تمدنی و تعلل در حفاظت آثار تاریخی به میراث‌های ارزشمند عراق آسیب‌های بسیاری وارد کرده است. اوج این آسیب‌ها در حضور نظامیان آمریکا و نیروهای داعش در این کشور به میراث‌فرهنگی وارد شده است. براساس گزارشی که دانشگاه شیکاگو منتشر کرده است، در جریان غارت آوریل ۲۰۰۳ موزه ملی عراق، حدود ۱۵ هزار اثر باستانی به سرقت رفت. در همین سال یک پایگاه نظامی آمریکا درست در قلب بابل برپا شد؛ شهری که پایتخت دو تن از مشهورترین پادشاهان باستانی تاریخ، حمورابی و نبوکدنصر، بود. گزارشی که سال‌ها بعد توسط کمیته هماهنگی بین‌المللی برای حفاظت از میراث‌فرهنگی عراق منتشر شد، نشان می‌داد استفاده از بابل به‌عنوان پایگاه نظامی، تجاوزی جدی به این سایت باستان‌شناسی شناخته‌شده در جهان بود. آمریکایی‌ها و نیروهای چندملیتی در طول حضورشان در بابل با کندن، بریدن، خراش دادن و تسطیح این محوطه‌های باستانی، آسیب‌های عمده‌ای به این شهر باستانی وارد کردند. براساس این گزارش، سازه‌های کلیدی‌ای که آسیب دیدند شامل دروازه ایشتار و راه‌های باستانی هستند.

علاوه‌بر آمریکایی‌ها بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، داعش خسارات زیادی به شهر تاریخی موصل و اطراف آن وارد کرد. بخش‌هایی از دیوارهای نینوا را با بولدوزر تخریب کرد، آثار و مجسمه‌های آشوری در موزه شهر را از بین برد و مسجد جامع نوری که اثری تاریخی متعلق به قرن دوازدهم است را منفجر کرد.

با وجود تمام این تخریب‌ها، بسیاری از سایت‌های باستانی و تاریخی عراق هنوز هم قابلیت احیا دارند. زیگورات عصر برنزی اور، که در نزدیکی شهر مدرن ناصریه در جنوب عراق قرار دارد، یکی از برجسته‌ترین سازه‌های باقیمانده از تاریخ باستان است که در سال‌های اخیر بازسازی شده است. دمونتلور معتقد است: «میراث‌فرهنگی عراق ممکن است شبیه اهرام جیزه یا پترا نباشد، اما به همان اندازه در داستان تمدن بشری اهمیت دارند. بابل، حَطْرَه، اور و پایتخت‌های بزرگ آشوری یعنی نینوا و نمرود، اطلاعاتی عمیق درباره منشأ شهرها، نوشتار و هنر ارائه می‌دهند.» به‌گفته او، موزه موصل که توسط دولت عراق با همکاری نهادهای بین‌المللی مانند آلیف ALIPH، مؤسسه اسمیتسونین و موزه لوور در حال بازسازی است، قرار است در سال ۲۰۲۶ دوباره افتتاح شود.

عراق، با وجود چالش‌ها و زخم‌های عمیق تاریخی، در آستانه تغییری فرهنگی و بازپس‌گیری جایگاه خود به‌عنوان مهد تمدن بشری است. تلاش‌های هدفمند برای احیای میراث باستانی، همراه با رشد درآمدهای گردشگری، نشانه‌ای از تغییر مسیر اقتصادی و فرهنگی عراق است که تلاش می‌کند وابستگی صرف به نفت را در اقتصاد خود کاهش دهد. همسایگان ایران به‌دنبال رونق بخشیدن به گردشگری خاورمیانه هستند و آمار رسمی نشان می‌دهد در این مسیر موفق عمل کرده‌اند. شاید وقت آن رسیده است ایران هم با تلاش برای رسیدن به ثبات و توجه به میراث باستانی و نشانه‌های تمدنی خود، جایگاهش را در بازار گردشگری دنیا بازیابی کند. اما سیاست‌های کلان دولت نشان می‌دهد ترجیح بر عقب‌نشینی و قانع‌شدن به بازارهای کوچک‌تر است تا بازگشت به روزهای رونق گردشگری.

گزارش

در سایه بی‌عملی وزارت میراث‌فرهنگی، حفاری‌های غیرمجاز میراث ایران را نابود می‌کنند

درجست‌وجوی طلا، تاریخ را می‌سوزانیم

| نگین شریفی |
| خبرنگار |

حفاری‌های غیرمجاز دیگر بلای جان محوطه‌های تاریخی شده‌اند. محوطه‌هایی آسیب‌پذیر که هرگونه تغییر در آنها می‌تواند منجر به تخریب کامل و ازدست‌رفتن اسناد و هویت تاریخی ایران شود. کارشناسان بارها درباره عواقب این پدیده هشدار داده‌اند، اما همچنان رسیدگی قاطعی به آن نمی‌شود. در نشست تخصصی که به مناسبت روز جهانی باستان‌شناسی برگزار شد، باز هم این موضوع توسط صاحب‌نظران حوزه میراث‌فرهنگی بررسی و راهکارهایی برای آن ارائه شد.

همه ما در فیلم‌ها و سریال‌ها دیده‌ایم که افراد در جست‌وجوی نقشه گنج و شیوه خواندن و تفسیر آن چه رنج‌هایی برده‌اند. ولی حالا تنها سرچ یک کلمه در گوگل و یا فضای مجازی کافی است تا با انواع شیوه و وسایل گنج‌یابی آشنا شد. این کلیپ‌ها توضیح می‌دهند چگونه هر نشانه کوچکی می‌تواند راه گنج و ثروت را به ما نشان دهد تا بتوانیم یک‌شبه پولی هنگفت به دست آوریم و زندگی‌مان را ازاین‌رو به آن رو کنیم. البته اکثر این راه‌ها به ترکستان می‌رود و چیزی نصیب کسی نمی‌شود. در این میان اما ثروتی واقعی و غیرقابل‌جایگزین است که از دست می‌رود و آن، میراث‌فرهنگی است. میراثی که تاریخ ایران را در خود حفظ کرده و با تخریب آن، تاریخ یک کشور از بین خواهد رفت. همین امر بهانه‌ای شد برای نشست «حفاری‌های غیرمجاز؛ بلای جان آثار و محوطه‌های تاریخی» در کتابخانه ملی ایران؛ نشستی که در پی واکاوی دلایل این امر بود.

در این نشست «محمدمهدی کلانتری»، دبیر پویش ملی نجات بناها و بافت‌های تاریخی ایران، گفت: «در فضای مجازی بدون هیچ‌گونه نظارتی فلزیاب تبلیغ و راه‌های دستیابی به گنج آموزش داده می‌شود. افرادی که این تبلیغات را انجام می‌دهند، بنا به قانون مجرم‌اند، اما نظارتی وجود ندارد و این افراد بدون ترس و نگرانی حتی چهره خود را در کلیپ‌هایشان نشان می‌دهند.» به باور او: «در حال حاضر در کشور ما فرهنگ سوداگری و دفینه‌یابی جای فرهنگ حفاظت را گرفته است. وزارت میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری به‌عنوان نهاد متولی انگار در خواب است و هیچ پیگیری‌ای انجام نمی‌دهد.»

«حکمت‌الله ملاصالحی»، استاد تمام گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، نیز معتقد است: «باستان‌شناسی نوعی رابطه، گفتمان و آگاهی ما از گذشته است که به‌نوعی انسان نوین را کشف می‌کند. در کشور ما اما متولیان امر از هیچ خودآگاهی تاریخی بهره نبرده‌اند و با بی‌توجهی‌شان تیشه به ریشه هویت ایرانی می‌زنند.»

شوق جست‌وجوی گنج، نتیجه آموزش غلط

«سیداحمد محیط‌طباطبائی»، رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران (ICOM)، درباره موضوع محوری این نشست گفت: «میراث‌فرهنگی متعلق به مردم است و مردم باید حافظ آن باشند. افراد باید به میراث‌فرهنگی حس تعلق داشته باشند. اما الان این حس وجود ندارد و همه دنبال آن هستند که هر چیزی برای آنها سودی داشته باشد. حفظ این آثار مستلزم فرهنگسازی است و با نیروی زور و پلیس نمی‌توان جلوی آن را گرفت.» او از نحوه معرفی باستان‌شناسی در برنامه‌های مختلف انتقاد کرد: «آموزش در این حوزه بیشتر حالت ماجراجویانه گرفته است. در یکی از این برنامه‌ها مثلاً مدارک فرهنگی را در زیر خاک پنهان می‌کنند و از کودک می‌خواهند از روی نقشه به جست‌وجوی آن بپردازد. این آموزش بیشتر سودای گشتن و پیدا کردن گنج را در کودک تقویت می‌کند و تأثیر منفی بر فرهنگ حفاظت از میراث‌فرهنگی می‌گذارد.»

میراث‌فرهنگی، جلوه مادی هویت ایرانی

«محمدعلی عزت‌زاده»، دبیر انجمن ایران‌شناسی ایران، معتقد است: «هویت ایرانی چهار رکن اصلی دارد که عبارت‌اند از تاریخ ایران، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی. آخرین رکن آن میراث‌فرهنگی است که جلوه مادی هویت ایرانی را تشکیل می‌دهد.» او به وسعت جغرافیایی ایران اشاره کرد و گفت: «توان و بودجه دولتی کافی برای حفاظت از تمامی این آثار وجود ندارد و ۳۵ درصد از سهم حفاظت هم به مردم داده شده است.» او به تجارب کشورهای دیگر در این زمینه اشاره کرد و گفت: «در کشوری مانند آلمان فرهنگ صرفاً امری در اختیار دولت نیست و وظیفه دولت تنها بسترسازی و حمایت است.»

عزت‌زاده در ادامه از تأثیر همکاری‌های بین‌المللی گفت. به باور او، همکاری‌هایی که می‌توانند توجه جهانیان را به آثار فرهنگی ایران جلب کنند: «باعث ایجاد شفافیت در عملکرد مسئولین نیز می‌شود؛ زیرا باید در رابطه با نحوه نگهداری از این میراث به جهانیان پاسخگو باشند.» «قدیر افروند»، مدیر پایگاه ملی ری، از بی‌قانونی و رعایت نشدن ضوابط میراث‌فرهنگی در شهر ری گفت: «اتوبان امام‌علی، بخشی از خط متروی تهران، محل دفن زباله و بسیاری از پروژه‌های عمرانی از حریم آثار تاریخی عبور می‌کردند که توانستیم با شکایت علیه بعضی از آنها، مسیرشان را تغییر دهیم و یا متوقفشان کنیم.»

دفینه‌یابی وظیفه میراث‌فرهنگی!

«قسمت تلخ ماجرا آنجاست که متوجه می‌شویم برخی از مدیران میراث‌فرهنگی در امر دفینه‌یابی و گنج‌یابی فعال هستند. وقتی خبرنگار از وزیر وزیر سابق میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی درباره حفاری‌هایی که در کاخ نیاوران انجام شده می‌پرسد، او اعلام می‌کند دفینه‌یابی از وظایف میراث است! یا معاون میراث از اختصاص نیرو برای گنج‌یابی می‌گوید. درواقع، وزارت خودش به‌دنبال دفینه‌یابی است.» این را کلانتری می‌گوید. گویا این روند مصداق ضرب‌المثل «هرچه بگندد نمکش می‌زنند، وای به روزی که بگندد نمک» است. وقتی نهادی که وظیفه‌اش حفاظت از میراث‌فرهنگی است، خط‌مشی قاچاقچیان آثار تاریخی را دنبال می‌کند، دیگر چه انتظاری می‌توان از سایر افراد داشت؟

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منوجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۳۰۲۵۰۰۱۴۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منوجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین ارجین فرزند دادعباس بشماره شناسنامه ۱۵۴۲ صادره از در یک باب مغازه به مساحت ۱۰۵ مترمربع پلاک ۲۹۳ فرعی از ۸۸۰- اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۸۰- اصلی قطعه پنج واقع در توحیدآباد منوجان خریداری از مالک رسمی آقای عباس دوراندیش محرز گردیده است؛ لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰
عباس جرجندی نسب
رئیس ثبت اسناد و املاک منوجان
شناسه آگهی: ۲۰۱۶۳۸۵

برخی نمایندگان وزرای نیرو و جهادکشاورزی را تهدید به استیضاح می‌کنند

دولت در آتش پروژه‌های پرچالش مجلس

سخنگوی دولت به «پیام ما»: مصالح ملی بر طرح‌های محلی اولویت دارد و دولت زیر بار فشار سیاسی نمی‌رود

ایرنا

|پیام‌ما| رئیس‌جمهوری در سفر هفته گذشته به اصفهان، در جمع نمایندگان اصناف کشاورزی این استان اعلام کرد با وجود بحران‌های آب و انرژی در کشور همچنان نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای در حوزه‌های انتخابیه دولت را تحت فشار می‌گذارند. این سخنان در شرایطی از سوی رئیس دولت چهاردهم گفته شد که چهار وزیر دولت، هم‌اکنون زیر تیغ استیضاح نمایندگان مجلس قرار دارند و دو نفر از آنان مستقیماً متولی آب و برق کشور هستند: یکی وزیر نیرو و دیگری وزیر جهادکشاورزی. بااین‌حال «فاطمه مهاجرانی»، سخنگوی دولت، در پاسخ به «پیام ما» از چگونگی مدیریت فشار مجلس بر دولت می‌گوید: «مصالح ملی بر طرح‌های محلی و منطقه‌ای در حوزه‌های انتخابیه ارجحیت دارد و دولت بحران‌های بزرگ کشور را قربانی فشارهای سیاسی نخواهد کرد.»

فشار نمایندگان مجلس بر دولت‌ها برای انجام طرح‌هایی که به‌زعم خودشان «توسعه‌ای» است، این‌بار صدای رئیس‌جمهور را هم درآورد. نگاهی به پروژه‌های پرچالش دو دهه اخیر مانند «طرح انتقال آب از دریای عمان به اصفهان»، «طرح انتقال آب از خزر به استان سمنان»، «سدسازی‌های مکرر بر سرچشمه‌های رودخانه کارون» نشان می‌دهد نقش مجلس در تشدید بحران‌های آب و انرژی کمتر دیده شده است. در بسیاری از پروژه‌های پرچالش، از تأمین حقابه‌های بیشتر برای کشاورزی در حوزه‌های انتخابیه، تا بالا بردن سطح زیرکشت در حوضه‌های آبریز مهمی مانند زاینده‌رود و دریاچه ارومیه و طرح‌های انتقال آب میان‌حوزه‌ای مانند آنچه بر سر کارون رفته است، می‌توان ردپای فشار نمایندگان مجلس را دید، می‌توان سیاهه‌ای بلند از مطالبات مجلسی‌ها در این زمینه تهیه کرد؛ نماینده‌ای به‌دنبال توسعه صنعت آب‌بر در کویر بود (مانند یزد) و دیگری پیگیر توسعه کشاورزی در دشت‌های ممنوعه (مانند پاسارگاد شیراز). موضوع به این بخش‌ها خلاصه نشده و حتی وزرایی مانند وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به‌منظور کوچک‌کردن حرایم آثار و محوطه‌های تاریخی ثبت ملی به‌نام توسعه کشاورزی، نیز تحت‌فشار بوده‌اند؛ فشاری که مجلس برای آن اهرم قابل‌توجهی هم دارد: استیضاح. نتایج این فشارهای سیاسی در کنار برنامه‌های ناکارآمد مدیران دولتی، بحران آب و انرژی و فرونشست کشور را رقم زده است که دیگر نه قابل انکارند و نه قابل چشم‌پوشی. این‌بار حتی رئیس‌جمهوری که مدام دم از وفاق میان مجلس و دولت می‌زند، نیز از تلاش نمایندگان برای زیر فشار قرار دادن دولت صحبت کرده است، اما فاطمه مهاجرانی در نشست خبری ۲۹ مهر ۱۴۰۴، در پاسخ به سؤال «پیام ما» مبنی‌بر اینکه دولت در برابر فشار مجلس برای اجرای طرح‌هایی که ناپایداری سرزمین ایران را بیشتر می‌کند، چه برنامه‌ای دارد؟ اعلام کرد: «درک می‌کنیم نمایندگان نگران موضوعات محلی و منطقه‌ای خودشان هستند و کمتر به موضوعات آمایش کلان کشور فکر کنند. اما دولت متولی این است که اجازه ندهد موضوعات محلی بر موضوعات ملی برتری پیدا کند. بنابراین، رویکرد ما رویکرد توجه کاملاً عادلانه به همه مناطق کشور، متناسب با ظرفیت آنهاست. دولت در تعامل با نمایندگان سعی می‌کند موضوعات را به‌شکلی راهبری کند که منافع ملی و مصالح همه مردم به‌درستی لحاظ شود.»

حجاب بودجه ندارد

سخنگوی دولت همچنین در پاسخ به پرسشی درباره انتشار اخباری مبنی‌بر ایجاد اتاق عفاف و حجاب، درباره تخصیص بودجه برای این امر گفت: «هیچ بودجه‌ای برای کار این‌چنینی اختصاص نیافته است. اصولاً شورای‌عالی امنیت ملی، عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری برای موضوعات کلان است و اجرای مصوبات آن بر همگان الزامی است. هرگونه اقدام در حوزه فرهنگی باید با در نظر گرفتن مواضع فرهنگی باشد. باید مراقب رفتارهای خارج از عرف باشیم و این جمله را رئیس‌جمهوری بارها گفتند با زور نمی‌توان حجاب را به افراد برگرداند. کمااینکه با زور نتوانستند حجاب را از سر ایرانیان بردارند. لذا با توجه به رویکرد محله‌محوری که مورد تأکید رئیس‌جمهوری است، با تمرکز بر ظرفیت مساجد باید در این امور فعال بود.» او ادامه داد: «به قوانین و مقررات احترام می‌گذاریم. ما ملتی هستیم که همیشه عفیفانه زیسته‌ایم و کتیبه‌ها نشان از زیست عفیفانه دارد. جامعه مسلمان هستیم و باید مراقب باشیم دوقطبی ایجاد نشود. رئیس‌جمهوری مصمم بر نظم‌بخشی هستند و هیچ بودجه‌ای برای کار این‌چنینی اختصاص نیافته است.»

اسرائیل حامی فیلتر

مهاجرانی در پاسخ به سؤال دیگری درباره کیفیت پایین اینترنت و رفع فیلترینگ به‌عنوان وعده دولت چهاردهم، گفت: «بر همان عهد که بستیم، هستیم. این امر وعده دولت بوده است و دولت هم در حال پیگیری آن است. پژوهشی که پس از جنگ دوازده‌روزه انجام شد، ثابت کرد موضوع اینترنت دغدغه تعداد زیادی از مردم بوده است. دولت قرار نیست هیچ سکویی را در لیست فیلترینگ نگه دارد. موضوعات در حال بررسی است. شاید اگر رژیم صهیونیستی به ایران تجاوز نکرده بود، موضوع فیلترینگ زودتر رفع شده بود. آنها هم دوست دارند فیلترینگ در ایران باشد.»

او همچنین در پاسخ به سؤالی درباره مذاکره با آمریکا توضیح داد: «ما اهل مذاکره هستیم. این امر با تعاملی که ما با خیلی از کشورها داشته‌ایم، اثبات می‌شود. با برخی کشورها چالش‌هایی داشتیم که امروز رفع شده است. این یعنی ما طبیعتاً به‌دنبال گفت‌وگو هستیم و از آن استقبال می‌کنیم. اما زمانی می‌توان وارد این فضا شد که طرف مقابل حرمت لازم را قائل شود و گفت‌وگو از موضع برابر و نه بالا به پایین را بپذیرد. گفت‌وگو از موضع بالا به پایین اسمش دیکته‌کردن خواسته‌ها است. ابتدا باید برایمان مسجل شود که طرف مقابل اصول گفت‌وگو را به رسمیت می‌شناسد.»

فروش بنگاه‌های غیرمرتبط

مهاجرانی در مورد نشست اقتصادی رئیس‌جمهوری با فعالان اقتصادی نیز توضیح داد: «در این جلسه اعلام آمادگی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد برای فروش بنگاه‌های غیرمرتبط با فعالیت بانکداری و کمک کردن به اینکه بانک‌ها بنگاهداری نکنند، انجام شد. درباره پیمان مدیریت نیز اعلام آمادگی شد. در این جلسه رئیس‌جمهوری بر پنجره واحد خدمات در زیست‌بوم تولید و تجارت تأکید داشتند. بعضاً می‌گویند با ۵۰ سامانه باید کار کنیم که رئیس‌جمهور تأکید داشتند با توجه به ارائه پنجره خدمات مبتنی‌بر زیست‌بوم، این امر برطرف شود.»

او همچنین با اشاره به مصوبه هیئت وزیران برای آزادسازی واردات شمش طلا استاندارد نیز گفت: «۷۰۰ کیلوگرم توسط سرمایه‌گذاران وارد شده است و به‌زودی در بستر مبادله ارز و طلا به فروش می‌رسد و شاهد حراج توسط بانک مرکزی هستیم. اینها توسط سرمایه‌گذارانی که از خارج ارز را برمی‌گردانند، وارد می‌شود و راهی برای برگشت ارز است. به‌زودی شاهد حراج شمش هم خواهیم بودیم. همچنین، سازمان امور مالیاتی اقدام زیبایی را در راستای هوشمندسازی فرایندها از دولت سیزدهم آغاز کرده است؛ با عنوان نشان‌دار کردن مالیات که کار مهمی است، افراد انتخاب می‌کنند مالیات را به کدام نقطه دهند. این اقدام مهم است؛ چراکه در استان تهران صد درصد پروژه‌ها از این طریق تأمین اعتبار شد. این نشان از دقت‌نظر فعالین اقتصادی و مردم دارد. استان سیستان‌وبلوچستان با ۴۲ درصد، بالاترین میزان مشارکت مردم را در پرداخت مالیات به خود اختصاص داد و مالیات‌پردازهای ما این استان را به‌شدت مورد توجه قرار دادند.»

عدد عجیب خط فقر

سخنگوی دولت در پاسخ به سؤالی درباره خط فقر، توضیح داد: «دو نوع دسته‌بندی برای خط فقر داریم؛ مطلق و شدید. در خط فقر مطلق موضوعات متعددی از جمله خوراک، مسکن، پوشاک، حمل‌ونقل، بهداشت و درمان و آموزش وجود دارد. فقر شدید متمرکز بر خوراک است. برای خط فقر سال ۱۴۰۳ به‌ازای هر یک نفر در بعد خانوار، شش میلیون و ۱۲۸ هزار و ۷۳۹ تومان است. دولت برای رفع آن سیاست‌هایی در پیش گرفته است. در کنار این موضوع، تورم را انکار نمی‌کنیم. عامل اصلی این تورم تحریم‌هایی است که بر کشور تحمیل شده است و بیشترین فشار را بر مردم وارد می‌کند. دولت با سیاست پرداخت یارانه نقدی، کالابرگ، حمایت معیشتی هدفمند، برنامه اشتغال‌زایی و حمایت از اشتغال افراد، تقویت صندوق بازنشستگی، بهبود معیشت کم‌درآمدها، توجه به عدالت، از جمله عدالت در درمان با اجرای طرح نظام ارجاع و مسکن حمایتی در راستای محور عدالت مسکن و توجه به عدالت معیشتی و آموزشی با توجه به تمرکز بر آموزش باکیفیت در مدارس دولتی، رفع خط فقر را در دستورکار دارد.»

عدد اعلامی از سوی سخنگوی دولت به‌عنوان خط فقر به‌ازای هر یک نفر با انتقاد مواجه شده است و بسیاری از رسانه‌ها بلافاصله آن را غیرواقعی خواندند. او همچنین در مورد توزیع کالابرگ الکترونیکی از آبان‌ماه، درباره سازوکار توزیع آن توضیح داد: «تمام تلاش دولت بر حفظ معیشت مردم است. در این مسیر از روش‌های موجود بهره‌برداری می‌کند. روش‌های مختلف بررسی و با توجه به اینکه کدام روش شدنی است و امکان تداوم دارد جمع‌بندی نهایی انجام می‌شود.»

مهاجرانی همچنین در مورد پرداخت بدهی سوپرمارکت‌های مشارکت‌کننده در طرح کالابرگ از سوی دولت، گفت: «در پرداخت بدهی سوپرمارکت‌ها مشکل سیستمی وجود دارد و در حال رفع شدن است. نباید تراز تجاری اینها به‌هم بخورد. لذا مدل در حال عوض شدن است و رفع آن در دستور اول قرار دارد. برای ارائه کالابرگ باید موضوعات جدی رفع شود. مشکل برطرف خواهد شد تا برای سایر دوره‌های کالابرگ شاهد این مشکل نباشیم.»

مهاجرانی همچنین در مورد استیضاح چهار وزیر توضیح داد: «حق نظارتی مجلس را به رسمیت می‌شناسیم. اعضای کابینه بیش از ۳۰۰ بار در سال نخست دولت در مجلس حاضر شدند که این حضور اعم از کمیسیون‌ها و صحن است. این عدد نشان از این دارد که مجلس کار خود را به‌دقت انجام می‌دهد. هرجا لازم است وزرا پاسخ دهند، پاسخگویی وجود دارد. این عدد نشان از تعامل خوب دولت دارد. تأکید داریم شرایط فعلی کشور به‌گونه‌ای است که نباید اجازه دهیم با نابسامان شدن و ایجاد تزلزل در کار وزارتخانه‌ها شرایط را بر مردم دشوار کنیم. اگر استیضاح در باقی حوزه‌ها جواب داده است، این‌بار هم جواب می‌دهد. یکی از وظایف مشخص معاون پارلمانی پیگیری این موضوعات است. شأنیت وجودی این معاونت و رسالت ذاتی او همین امر است و پیگیری انجام می‌شود. تعداد حضور زیاد وزرا در مجلس نشان از آن دارد که دولت متعامل و پاسخگو است.»

گزارش

زنان خورشیدی و کشاورزان نوآور

پنل‌های خورشیدی روی بام خانه‌ها و مدارس هند، نه‌تنها برق تولید می‌کنند بلکه زندگی مردم را در شهرها و روستاها دگرگون کرده‌اند

| شبنم شکوریان |
| روزنامه‌نگار |

در جنوب آسیا، جایی که خورشید تقریباً در تمام روزهای سال بر زمین می‌تابد، هند رکورد تازه‌ای در بهره‌گیری از انرژی خورشیدی ثبت کرده است. پرجمعیت‌ترین شبه‌جزیره منطقه، در نه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵ بیش از ۲۹ گیگاوات ظرفیت جدید تجدیدپذیر به شبکه برق خود افزود که بیش از دوسوم آن خورشیدی بود. براساس داده‌های رسمی وزارت انرژی‌های نو و تجدیدپذیر هند (MNRE)، تا پایان سپتامبر ۲۰۲۵ ظرفیت کل نصب‌شده انرژی‌های تجدیدپذیر این کشور به حدود ۲۴۷.۳ گیگاوات رسیده است.

انرژی خورشیدی با سهمی نزدیک به ۵۲ درصد از کل ظرفیت، بزرگ‌ترین منبع برق پاک هند است. پس‌ازآن، انرژی بادی با ۲۱ درصد، نیروگاه‌های برقابی بزرگ با ۲۰ درصد، زیست‌توده با حدود پنج درصد و نیروگاه‌های کوچک برقابی با دو درصد قرار دارند.

بخش عمده این رشد حاصل توسعه هم‌زمان نیروگاه‌های خورشیدی بزرگ‌مقیاس و سامانه‌های پشت‌بامی در شهرها و روستاهاست. تنها در سه‌ماهه سوم سال، بیش از نیمی از ظرفیت جدید به بهره‌برداری رسید؛ نشانه‌ای روشن از اینکه هند توانسته نور خورشید را نه‌فقط برای تولید برق، بلکه به‌عنوان نیرویی برای توسعه پایدار به کار گیرد.

مأموریت ملی خورشیدی

برای درک مسیر هند در انرژی خورشیدی، باید به حدود دو دهه قبل برگردیم؛ زمانی که برق کشور عمدتاً از نیروگاه‌های زغال‌سنگی تأمین می‌شد و آلودگی، قطعی‌های مکرر و کیفیت پایین برق از چالش‌های اصلی بودند. در سال ۲۰۱۰ دولت هند با درک ابعاد بحران، «مأموریت ملی انرژی خورشیدی» را آغاز کرد؛ برنامه‌ای گسترده که هم ساخت نیروگاه‌های عظیم و هم نصب سامانه‌های خورشیدی کوچک روی پشت‌بام خانه‌ها و مدارس را دربرمی‌گرفت.

کاهش قیمت جهانی پنل‌ها، اراده سیاسی دولت و مشارکت بخش خصوصی باعث شد این طرح با شتاب پیش برود و به یکی از موفق‌ترین برنامه‌های انرژی پاک در جهان تبدیل شود.

تغییر چهره بیابان

نماد توسعه خورشیدی در هند، پارک‌های بزرگ‌مقیاس‌اند. پارک خورشیدی «بهادلا» در ایالت راجستان، بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی جهان، با وسعتی نزدیک به ۱۴ هزار هکتار و بیش از ۱۰ میلیون پنل خورشیدی، ظرفیت تولید دو هزار و ۲۴۵ مگاوات برق دارد و برق میلیون‌ها خانه و مدرسه را تأمین می‌کند.

در ایالت کارناتاکا، پارک «پاواگا» با ظرفیت دو هزار و ۵۰ مگاوات زمین‌های خشک منطقه را به منبعی برای برق و درآمد کشاورزان بدل کرده است. پارک خورشیدی «کورنول» در آندرا پرادش نیز با ظرفیت عملیاتی یک گیگاوات، بخش مهمی از شبکه برق کشور را تغذیه می‌کند.

مجموع این پروژه‌ها، مسیر دستیابی هند به هدف ۲۸۰ گیگاوات ظرفیت تجدیدپذیر تا سال ۲۰۳۰ را هموار کرده‌اند؛ هدفی که درصورت تحقق، هند را در زمره پیشگامان جهانی انرژی پاک قرار خواهد داد.

خورشید بر بام

تحول خورشیدی هند فقط در بیابان‌های راجستان یا مزارع جنوب کشور رخ نداده است؛ در شهرهایی چون دهلی و جیپور، بسیاری از مدارس و ساختمان‌های دولتی با نصب پنل‌های خورشیدی، برق خود را تأمین می‌کنند و مازاد آن را به شبکه می‌فروشند. در حیدرآباد، خانوارها با نصب سامانه‌های کوچک پشت‌بامی، هزینه برق خود را به‌میزان چشمگیری کاهش داده‌اند. این روند نشان می‌دهد انرژی خورشیدی دیگر کالایی لوکس برای ثروتمندان نیست، بلکه به‌تدریج به گزینه‌ای در دسترس برای طبقات متوسط و حتی کم‌درآمد بدل شده است. در مناطق روستایی، برنامه‌هایی مانند «مادران خورشیدی» زنان را آموزش می‌دهند تا نصب و تعمیر پنل‌های خورشیدی را یاد بگیرند و از این مهارت برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک استفاده کنند. همچنین، شرکت «سلکو»، که در هند در زمینه ارائه راهکارهای پایدار انرژی برای بهبود کیفیت زندگی و توسعه اجتماعی–اقتصادی اقشار کم‌درآمد فعالیت دارد، بیش از ۵۰۰ هزار سامانه خورشیدی در منازل نصب کرده و هزاران مدرسه و مرکز درمانی را تحت پوشش قرار داده است. این شرکت با ارائه وام‌های کم‌بهره، امکان خرید سامانه‌های خورشیدی را برای روستاییان فراهم کرده است. در بخش کشاورزی نیز پمپ‌ها و خشک‌کن‌های خورشیدی مصرف سوخت را کاهش داده و بازده محصولات را افزایش داده‌اند. طرح‌هایی چون «پمپ‌های خورشیدی برای کشاورزان» در ایالت‌های مختلف نشان می‌دهد خورشید می‌تواند موتور محرک کشاورزی پایدار باشد؛ تجربه‌ای که برای ایران هم درس‌آموز است.

قطارهای خورشیدی

راه‌آهن هند نیز در مسیر گذار به انرژی پاک پیشگام است. تا فوریه ۲۰۲۵ بیش از دو هزار و ۲۴۹ ایستگاه و ساختمان خدماتی این شبکه ریلی به سامانه‌های خورشیدی مجهز شده‌اند و در مجموع ۲۰۹ مگاوات برق تولید می‌کنند. تنها در پنج سال اخیر، یک هزار و ۴۸۹ واحد خورشیدی جدید نصب شده که بیش از دو برابر دوره پیشین است. ایالت راجستان با ۲۷۵ نیروگاه خورشیدی در صدر قرار دارد. این طرح بخشی از راهبرد دولت برای گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر در حمل‌ونقل عمومی است و اکنون راه‌آهن هند را به یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی خورشیدی جهان تبدیل کرده است.

چالش و چشم‌انداز

موفقیت چشمگیر هند در انرژی خورشیدی، با چالش‌هایی نیز همراه است؛ از کمبود زیرساخت در مناطق دورافتاده و وابستگی به واردات پنل از چین گرفته تا نیاز به سامانه‌های ذخیره‌سازی و آموزش فنی گسترده‌تر. بااین‌حال، دولت با حمایت از تولید داخلی، راه‌اندازی سامانه‌های ذخیره انرژی و آموزش نیروهای محلی در حال تبدیل موانع به فرصت است. هند نشان داده است با برنامه‌ریزی دقیق، آموزش محلی و مشارکت مردمی، خورشید می‌تواند نه‌تنها برق تولید کند، بلکه زندگی، اقتصاد و جامعه را دگرگون سازد. تجربه‌ای که اکنون به الگویی الهام‌بخش برای دیگر کشورهای منطقه، از جمله ایران، بدل شده است.

خبر

فقط ۳۴ درصد از ظرفیت مخازن پر است

تازه‌ترین آمارها از افت محسوس ورودی و ذخایر سدهای کشور در آغاز سال آبی ۱۴۰۴ خبر می‌دهد؛ حجم آب موجود در مخازن به ۱۷.۶۶ میلیارد مترمکعب رسیده که تنها ۳۴ درصد ظرفیت کل را تشکیل می‌دهد. براساس آخرین آمار ایستگاه‌های باران‌سنجی وزارت نیرو تا تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴، ورودی آب به مخازن سدهای کشور از ابتدای سال آبی جاری ۰.۷۸ میلیارد مترمکعب ثبت شده است که در مقایسه با ۱.۲۹ میلیارد مترمکعب سال گذشته، کاهشی ۳۹ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین، میزان خروجی سدها در همین بازه ۱.۷۹ میلیارد مترمکعب بود و نسبت به سال قبل ۲۹ درصد کاهش یافته است. حجم آب موجود در مخازن سدها در حال حاضر ۱۷.۶۶ میلیارد مترمکعب برآورد شده که نسبت به سال گذشته ۲۴ درصد کاهش دارد و تنها ۳۴ درصد از ظرفیت کل سدها پر است. زاینده‌رود با تنها ۱۳ درصد پرشدگی، نسبت به سال قبل ۳۹ درصد افت داشته است. لار در استان تهران تنها ۲ درصد پرشدگی دارد. در جنوب کشور، سد استقلال در هرمزگان تنها ۶ درصد پرشدگی دارد و سد شمیل و نیان به حجم مرده رسیده است. به‌طورکلی، داده‌های جدول نشان می‌دهد بسیاری از سدهای مهم کشور در وضعیت زیر ۴۰ درصد پرشدگی قرار دارند و تداوم کاهش بارش‌ها در آغاز سال آبی جدید، می‌تواند تأمین آب کشاورزی و شرب را در ماه‌های آینده با چالش مواجه کند. |وب‌سایت خبری شرکت مدیریت منابع آب

توسعه همکاری‌های مشترک آبی ایران با عربستان سعودی

رئیس مرکز امور بین‌الملل وزارت نیرو در حاشیه پنجمین کنفرانس وزرای مسئول آب سازمان همکاری اسلامی OIC که به میزبانی عربستان سعودی در حال برگزاری است، از تلاش دو کشور ایران و عربستان برای توسعه همکاری‌های مشترک در بخش آب میان دو کشور خبر داد. «محمدولی علاءالدینی» با اعلام این خبر گفت: «یکی از محورهای سفر وزیر به عربستان سعودی و شرکت در کنفرانس وزرای مسئول آب سازمان همکاری اسلامی توسعه همکاری‌های مشترک آبی با کشور عربستان سعودی و دیگر کشورهای اسلامی است.» او همچنین در نشست مشترک خود با معاون وزیر عربستان که در حاشیه پنجمین کنفرانس وزرای مسئول آب سازمان همکاری اسلامی OIC عربستان سعودی، با حضور بیش از ۴۹ کشور و ۲۰ وزیر از کشورهای مختلف از جمله ایران، مصر، موریتانی، اندونزی و ... برگزار شده است، عنوان کرد: «با توجه به نقاط قوت مختلف هر کشوری در این زمینه، این نشست‌ها فرصت‌های آشنایی بسیاری فراهم کرده و زمینه به اشتراک‌گذاری آنها را ایجاد می‌کند. ایران مایل است سخاوتمندانه تجربیات خود را در حوزه مدیریت منابع آب در اختیار همه کشورها قرار دهد.» او با اشاره به منابع آبی متنوع ایران گفت: «منابع آبی ایران از طریق بیش از ۳۰۰ سد، چاه‌های زیرزمینی، رودخانه‌ها و منابع آبی مشترک با همسایگان مانند ترکیه، افغانستان و ترکمنستان تامین می‌شود.|وب‌سایت خبری وزارت نیرو

آگهی مفقودی

مفقودی برگ سبز و سند کمپانی خودرو ماشین سواری سایپا 131SE مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید – روغنی به شماره موتور M135895982 به شماره شاسی: NAS411100H3363351 به شماره پلاک ۳۷ ق ۳۱۶ ایران ۷۵ به نام علی اکبر روهنده مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

رودبارجنوب

آگهی مفقودی

مفقودی برگ سبز و سند کمپانی ماشین خودرو سواری دنا DENA+EF7-MT- مدل ۱۳۹۶ به رنگ خاکستری متالیک به شماره موتور: 147H0343351 به شماره شاسی: NAAW21HU3HE490329 به شماره پلاک ۲۴ ن ۶۹۹ ایران ۶۵ به نام سعید سالارطلب مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

منوجان

آگهی مفقودی

مفقودی کلیه مدارک ماشین خودرو زامیاد تیپ Z24NIMبا کاربری ون مدل ۱۴۰۱ به رنگ آبی ـ آبی روغنی به شماره موتور917054M M24 به شماره شاسی: NAZPL140TN0693857 به شماره پلاک ۷۴ ن ۸۴۵ ایران ۵۴ به نام ندا طالبی یزدی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

رودبارجنوب

AP

داده‌های مأموریت‌های ماهواره‌ای ناسا، هشدارآمیزترین پیام درباره اثرات تغییراقلیم هستند

روند بی‌سابقه خشکیدن قاره‌ها

ایران در نقشه متوسط ۲۰ساله ذخایر آب زمینی با رنگ قرمز نشان داده شده است

|پیام ما| قاره‌ها با سرعت بی‌سابقه‌ای در حال خشکیدن‌اند؛ بررسی داده‌های حاصل از دو دهه مأموریت ماهواره‌های ناسا، GRACE و GRACE-FO، نشان می‌دهد هم‌زمان با این روند، میلیون‌ها نفر در سراسر جهان با کاهش دسترسی به آب شیرین و خشکسالی‌های مرگبار مواجه‌اند. پژوهشی تازه که تغییرات ذخیره آب زمینی از ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۴ را بررسی کرده، مناطقی «ابرخشک» در نیمکره شمالی، از جمله خاورمیانه، شناسایی کرده است؛ خوشه‌هایی از نقاط بحرانی خشکسالی که به‌هم پیوسته و در مقیاس قاره‌ای گسترش یافته‌اند. این پژوهش با این یافته‌ها درباره کم‌آبی و تخلیه منابع زیرزمینی در این روند خشکی و افزایش بیشتر سطح آب دریاها هشدار می‌دهد.

مناطق خشک جهان هر سال به‌اندازه دو برابر ایالت کالیفرنیا گسترش یافته‌اند. کاهش گسترده ذخایر آب زیرزمینی که مسئول حدود ۶۸ درصد از «تغییرات ذخایر آب‌های زمینی» است، ذوب یخ و یخچال‌های شمال کانادا و روسیه و خشکسالی‌های شدید در آمریکای مرکزی و اروپا، مهم‌ترین عوامل پشت این بحران‌اند. نقشه‌های این مطالعه نشان می‌دهند خاورمیانه و شمال آفریقا با کاهش شدید ذخایر آب‌های زمینی و افزایش خشکی مواجه‌اند، این وضعیت دسترسی به آب آشامیدنی و همچنین کشاورزی و امنیت غذایی را تهدید می‌کند و هم‌زمان به افزایش سریع سطح آب دریاها دامن می‌زند. پژوهشگران هشدار می‌دهند اگر اقدامات جدی برای مدیریت منابع آب و کاهش برداشت بی‌رویه آب زیرزمینی انجام نشود، این روند ممکن است در دهه‌های آینده شدت یابد و پیامدهای جهانی، منطقه‌ای و بین‌نسلی گسترده‌ای به‌جا بگذارد.

یافته‌های مطالعه «خشکی بی‌سابقه قاره‌ای، کاهش دسترسی به آب‌های شیرین و افزایش نقش سرزمین‌ها در بالا آمدن سطح دریاها» که در ماه ژوییه در Science Advances منتشر شده است، نشان می‌دهد قاره‌ها از سال ۲۰۰۲ تاکنون کاهش بی‌سابقه‌ای در ذخیره آب‌های زمینی (TWS) تجربه کرده‌اند. این ذخایر درواقع شامل تمام آب موجود درون و روی زمین است و شاخصی حیاتی برای سنجش دسترسی به آب‌های شیرین به شمار می‌آید.

هشت نویسنده این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال که از سال ۲۰۰۲ تاکنون ذخیره آب‌های زمینی چگونه و چرا تغییر کرده است؟ آورده‌اند: «درحالی‌که بیشتر مناطق خشک و مرطوب جهان همچنان خشک‌تر یا مرطوب‌تر می‌شوند، مناطق خشک سریع‌تر از آنچه مناطق مرطوب مرطوب می‌شوند، در حال خشکیدن‌اند. «خشکی قاره‌ای» بیشتر کشورهای جهان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از سال ۲۰۰۲، ۷۵ درصد جمعیت جهان در ۱۰۱ کشوری زندگی می‌کنند که کاهش منابع آب شیرین را تجربه کرده‌اند. افزون‌براین، قاره‌ها اکنون بیش از کلاهک‌های یخی به دریاها آب شیرین وارد می‌کنند و از همین رو، نقش مناطق خشک در افزایش سطح آب دریاها پررنگ‌تر شده است.» پژوهشگران هشدار می‌دهند درصورت بی‌توجهی به اقدام فوری، این روند به‌طور پیوسته تشدید می‌شود و به ناامنی آبی و افزایش سرعت بالاآمدن سطح دریاها دامن می‌زند.

> تغییر الگوهای ذخایر آب زمینی، دسترسی به آب و مدیریت پایدار منابع آبی انسان و محیط‌زیست را تهدید می‌کند معیشت و امنیت غذایی را به خطر می‌اندازد و هم‌زمان می‌تواند محرکی برای مهاجرت ناشی از تغییراقلیم و تنش‌های فرامرزی، در سطح داخلی و بین‌المللی، باشد

تغییراقلیم و تحولات عمیق زمین

تغییراقلیم، تحولات بزرگی در چرخه آب ایجاد کرده است. در سال‌های اخیر کشورهای مختلف رکوردهای بی‌سابقه دمایی را تجربه کرده‌اند و ۲۰۲۴ گرم‌ترین سال در ۱۷۵ سال گذشته لقب گرفته است. این پژوهش می‌گوید با شدت گرفتن خشکسالی‌ها و سیلاب‌ها، ذوب گسترده یخچال‌ها و کلاهک‌های یخی و افزایش سطح دریاها و همچنین، با افزایش خطر آتش‌سوزی‌ها و کاهش تنوع‌زیستی روبه‌روست. از سوی دیگر، با تغییر الگوهای جهانی بارش، تبخیر و جریان آب‌های سطحی، ذخیره آب‌های زمینی نیز به‌سرعت دستخوش تغییر شده است. تغییر الگوهای TWS دسترسی به آب و مدیریت پایدار منابع آبی برای انسان و محیط‌زیست را تهدید می‌کند، معیشت و امنیت غذایی را به خطر می‌اندازد و هم‌زمان می‌تواند محرکی برای مهاجرت ناشی از تغییراقلیم و تنش‌های فرامرزی، در سطح داخلی و بین‌المللی، باشد.

در همین حال، با خشک‌تر شدن مناطق خشک جهان و کاهش ذخایر آب‌های سطحی در رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، جوامع بیش‌ازپیش به آب‌های زیرزمینی متکی می‌شوند. نویسندگان مقاله می‌گویند این فشار فزاینده باعث کاهش بلندمدت منابع زیرزمینی شده است؛ پدیده‌ای که با ضعف‌های جهانی مدیریت آب‌های زیرزمینی تشدید می‌شود و از طریق «اثر بازخورد مثبت»، چرخه‌ای ایجاد می‌کند که سرعت کاهش ذخیره کل آب‌های زمینی (TWS) را افزایش می‌دهد. پیامدهای کاهش منابع زیرزمینی جهانی شامل کاهش تأمین آب برای آبیاری و تهدید بهره‌وری کشاورزی، کاهش ظرفیت سازگاری با تغییراقلیم و تاب‌آوری در برابر خشکسالی و رشد شهرهای بیابانی، کاهش تنوع‌زیستی و آسیب به اکوسیستم‌های وابسته به آب زیرزمینی، کاهش دسترسی به آب با افت سفره‌های آب زیرزمینی و بسیاری اثرات دیگر است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در طول این دو دهه، درحالی‌که بیشتر مناطق خشک جهان همچنان خشک‌تر و مناطق مرطوب همچنان مرطوب‌تر می‌شوند، نرخ خشکی در مناطق خشک از سرعت مرطوب‌شدن مناطق مرطوب بیشتر است. هم‌زمان، وسعت مناطقی که دچار خشکی می‌شوند، افزایش و در مقابل وسعت مناطقی که دچار مرطوب شدن هستند، کاهش یافته است.

چهار منطقه ابرخشک در جهان

این مطالعه بررسی کرده که چگونه تغییرات اخیر در الگوهای TWS در مقیاس منطقه‌ای و قاره‌ای، به افزایش نرخ خشکی قاره‌ای دامن زده است. برپایه یافته‌ها اتصال چند الگوی منطقه‌ای خشکی و نقاط گرم به شکل‌گیری چهار منطقه‌ی «ابرخشک» در مقیاس قاره‌ای انجامیده که همه در نیمکره شمالی قرار گرفته‌اند: بخش‌های وسیعی از شمال کانادا، شمال روسیه (جایی که مناطق مرطوب در عرض‌های جغرافیایی بالا اکنون به خشکی تبدیل شده‌اند)، منطقه پیوسته جنوب‌غربی آمریکای شمالی و آمریکای مرکزی، (که روند خشکی و کاهش منابع آب زیرزمینی در آن شدت گرفته یا ادامه دارد) و در آخر منطقه عظیم سه‌قاره‌ای که از شمال آفریقا تا اروپا، از طریق خاورمیانه و آسیای مرکزی، تا شمال چین و جنوب و جنوب‌شرق آسیا امتداد دارد و گسترش آن ناشی از خشکسالی اخیر اروپا است.

این تغییرات، همراه با مرطوب‌تر شدن چشمگیر اخیر شرق آفریقا و غرب آفریقای جنوب صحرای بزرگ، زمینه‌ساز «گسترش مناطق خشک قاره‌ای و کاهش مناطق مرطوب» است. به‌جز مناطق استوایی در محدوده ۱۰ درجه جنوب و ۲۰ درجه شمال، اکنون همه عرض‌های جغرافیایی، حتی با حذف یخچال‌ها و کلاهک‌های یخی زمینی، روند خالص منفی شاخص ذخایر آب زمینی را نشان می‌دهند.

در یافته‌های این پژوهش درباره وضعیت «خاورمیانه/شمال آفریقا-فرا اوراسیا» آمده است: «خشک شدن چشمگیر در سراسر خاورمیانه، ناشی از الگوی «خشک‌تر شدن مناطق خشک» (DD) و کاهش منابع آب زیرزمینی است و یکی از شدیدترین خشکی‌های جهان به شمار می‌رود. سامانه آکوایفر عربستان با نرخ ۰/۶۴ ± ۰/۰۱ سانتی‌متر در سال در حال کاهش TWS است. آسیای مرکزی نیز از طریق DD و کاهش منابع آب زیرزمینی به‌سرعت در حال ازدست‌دادن TWS است، به‌ویژه در اطراف دریای خزر و دریای آرال، جایی که کشاورزی و تولید پنبه شدیداً به آب زیرزمینی وابسته‌اند. میزان کاهش TWS در مجموع دریای خزر و دریای آرال برابر −۳/۰ ± ۰/۱۲ سانتی‌متر در سال است.» آکوایفر در این بخش به‌معنای مخزن آب زیرزمینی است؛ لایه‌ای از خاک یا سنگ که آب را در خود نگه می‌دارد و منبع اصلی تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی به شمار می‌رود.

این مطالعه می‌گوید کاهش شدید آب‌های زمینی را در بخش‌های وسیعی از اروپا نشان می‌دهد، که با خشکسالی‌های فاجعه‌بار اخیر همخوانی دارد: «این خشکسالی‌ها تحت‌تأثیر تغییراقلیم هستند و از بدترین خشکسالی‌های ۲۰۰۰ سال اخیر محسوب می‌شوند. اکنون خشکی جزایر بریتانیا و همه کشورهای اروپای غربی و شرقی را نیز در بر می‌گیرد. شمال آفریقا تقریباً به‌طور کامل کاهش TWS را نشان می‌دهد که ناشی از DD و همچنین کاهش قابل‌توجه منابع آب زیرزمینی در سامانه آکوایفر شمال‌غربی صحرای بزرگ مشترک میان الجزایر، لیبی و تونس است.»

ایران و جبران سخت کسری ذخایر آب

نقشه‌ای که این مطالعه از روند بلندمدت متوسط ذخایر آب به تفکیک کشورها به ما نشان می‌دهد ایران را حوضه‌ای با رنگ قرمز از همسایه‌هایش تفکیک کرده است. درواقع این رنگ نشان‌دهنده مناطقی است که در آنها مصرف و کاهش منابع آب بیشتر از میزان تجدیدپذیر طبیعی است و بنابراین جبران کسری ذخایر آب دشوارتر شده است.

در بیشتر حوضه‌ها، تغییرات بلندمدت TWS فقط حدود سه درصد از آب سالانه قابل‌تجدید را تشکیل می‌دهد. این نسبت در حوضه‌های خشک‌شونده به پنج درصد و در حوضه‌های مرطوب‌شونده به دو درصد می‌رسد. اهمیت این روندها در حوضه‌های خشک بیشتر است (هشت درصد) و در حوضه‌های خشک و در حال خشک‌شدن به ۱۰ درصد افزایش می‌یابد.

این مطالعه هشدارهایی جدی پیش روی ما می‌گذارد:

تا ۸۳ درصد یخچال‌های جهان احتمالاً در طول ۸۰ سال آینده ذوب می‌شوند.

شدت خشکسالی‌ها در پنج سال گذشته تشدید شده است.

ذخیره آب سطحی در رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و سدها کاهش یافته است.

و نیمی از سفره‌های بزرگ زیرزمینی جهان به‌سرعت در حال کاهش هستند.

با توجه به روندهای کنونی، نرخ خشکی قاره‌ای احتمالاً در دهه‌های آینده ادامه یا افزایش خواهد یافت و درنتیجه، دسترسی به آب شیرین نیز به همان روند فعلی یا حتی سریع‌تر کاهش می‌یابد.

سهم خشکی‌ها در افزایش سطح دریاها

داده‌های ماهواره GRACE/FO نشان می‌دهد افزایش سطح دریاها طی ۲۲ سال گذشته عمدتاً به کاهش ذخایر آب قاره‌ها مربوط بوده است، نه‌فقط به ذوب یخچال‌ها و کلاهک‌های یخی گرینلند و قطب جنوب.

درواقع، جرم اقیانوس‌ها با نرخ ۱.۹۹ میلی‌متر در سال افزایش یافته است، سهم کاهش آب قاره‌ها از این افزایش، ۰.۸۹ میلی‌متر در سال است و درنهایت سهم گرینلند ۰.۷۳ میلی‌متر و سهم قطب جنوب ۰.۳۷ میلی‌متر در سال است. به‌این‌ترتیب، قاره‌ها اکنون بزرگ‌ترین عامل افزایش سطح دریاها (۴۴درصد) هستند، درحالی‌که گرینلند و قطب جنوب به‌ترتیب حدود ۳۷ درصد و ۱۹ درصد سهم دارند.

این تحلیل نشان می‌دهد خشکی قاره‌ای و کاهش ذخایر آب زیرزمینی و سطحی در قاره‌ها، سهم عمده‌ای در روند بلندمدت افزایش سطح دریاها دارد و با ادامه روندهای کنونی، دسترسی به آب شیرین و مدیریت منابع آب جهانی با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد.

اکنون زمان اقدام است

نویسندگان مطالعه می‌گویند گسترش خشکی در سطح قاره‌ها، افزایش رخدادهای خشکسالی شدید و پیامدهای آن بر کاهش منابع آب شیرین و بالا آمدن سطح دریاها باید از دغدغه‌های اصلی افکار عمومی، مدیران منابع‌طبیعی و تصمیم‌گیران در سراسر جهان باشد. پایداری روندهایی که در این پژوهش گزارش شده‌اند، همراه با تغییر چشمگیر در رفتار ذخیره آب زمینی (TWS) و الگوی خشکی قاره‌ای پس از رویداد النینوی بزرگ سال ۲۰۱۴، احتمال بازگشت‌ناپذیر بودن این روندها را تقویت می‌کند. آنها می‌گویند: «این یافته‌ها شاید هشدارآمیزترین پیامی باشد که تا امروز درباره اثرات تغییراقلیم آمده: قاره‌ها در حال خشکیدن‌اند، منابع آب شیرین رو به کاهش است و سرعت افزایش سطح دریاها رو به شتاب گرفتن دارد.»

این پژوهش تأکید می‌کند اقدامات برای مهار روند خشکی قاره‌ها، نباید به کندی و بی‌ثباتی تلاش‌های مقابله با تغییراقلیم پیش برود. «تصمیم‌های مدیریتی درست و سیاست‌های تازه به‌ویژه در زمینه پایداری منابع آب زیرزمینی در سطح ملی و منطقه‌ای و نیز همکاری‌های بین‌المللی برای حفظ پایداری جهانی آبخوان‌ها، می‌تواند به نگهداشت این منبع حیاتی برای نسل‌های آینده کمک کند.»

این مطالعه از یک سو درباره منابع آب شیرین هشدار می‌دهد و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی را بزرگ‌ترین عامل کاهش ذخایر کلی آب در مناطق خشک‌شونده می‌داند. این روند تأثیرات ناشی از افزایش دما، گسترش خشکی اقلیم و رویدادهای خشکسالی شدید را به‌شدت تشدید می‌کند. بااین‌حال، کاهش آب زیرزمینی بیش از هر عامل دیگری وابسته به تصمیمات مدیریتی در حوزه آب است و درصورت اعمال سیاست‌های درست، می‌توان جلوی آن را گرفت یا متوقف کرد. اما درحالی‌که استفاده بیش‌ازحد از آب‌های زیرزمینی، امنیت آبی و غذایی مناطق مختلف جهان را تهدید می‌کند؛ این خطر هنوز در سطح جهانی به‌اندازه کافی جدی گرفته نشده است.

«در بسیاری از مناطقی که منابع آب زیرزمینی رو به کاهش‌اند، این آب‌ها در مقیاس زمانی عمر انسان دیگر قابل‌تجدید نیستند. نابودی تدریجی آب در سفره‌های زیرزمینی جهان، تهدیدی فزاینده و حیاتی برای بشریت است؛ خطری که پیامدهای زنجیره‌ای آن به‌ندرت در سیاستگذاری‌های محیط‌زیستی، مدیریت منابع یا نظام‌های حکمرانی لحاظ می‌شود. آب زیرزمینی منبعی میان‌نسلی است که نسل کنونی یا به‌درستی آن را مدیریت نمی‌کند یا اساساً مدیریتی بر آن ندارد و این سهل‌انگاری، هزینه‌ای سنگین و نادیده‌انگاشته را بر دوش نسل‌های آینده می‌گذارد.» نویسندگان می‌گویند در جهانی که هر روز گرم‌تر و خشک‌تر می‌شود، حفاظت از ذخایر آب زیرزمینی جهان باید در اولویت مطلق قرار گیرد.

از طرف دیگر، برای مقابله با روند افزایش سطح آب دریاها، سیاست‌های گسترده‌تری در زمینه کاهش آسیب و سازگاری لازم است: «می‌توان بخشی از آب را در خشکی‌ها ذخیره کرد یا اجازه داد آب‌های سطحی و زیرزمینی بیشتر در محل خود باقی بمانند؛ چراکه افزایش ذخیره‌ی کل آب در خشکی به کاهش آهنگ بالا رفتن سطح دریا کمک می‌کند.» این پژوهش می‌گوید ازآنجاکه کاهش سریع آب‌های زیرزمینی، به‌تنهایی، تقریباً به‌اندازه ذوب یخچال‌ها در بالا رفتن سطح دریا سهم دارد، کند کردن این روند و تسهیل تغذیه دوباره آبخوان‌ها باید اولویتی جهانی باشد؛ هم برای حفظ منابع آب نسل‌های آینده و هم برای برقراری تعادل در چرخه آب زمین و جلوگیری از ورود بیشتر آب شیرین از خشکی‌ها به اقیانوس‌ها.

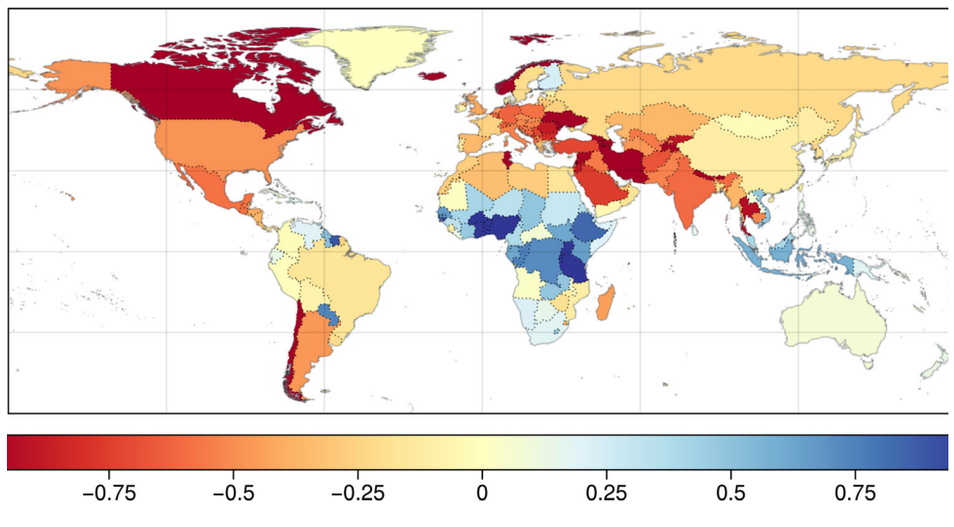

توضیح شکل: روندهای بلندمدت متوسط ذخایر آب زمین به تفکیک کشور

خبر

ردپای چین در توسعه آلاینده‌ترین ناوگان زغال‌سنگ جهان

چین با وجود تعهدات محیط‌زیستی برای توقف حمایت از پروژه‌های زغال‌سنگ، همچنان در ساخت نیروگاه‌های آلاینده در اندونزی نقش‌آفرینی می‌کند. اندونزی با یکی از بزرگ‌ترین و جوان‌ترین ناوگان‌های زغال‌سنگ جهان، به نماد بحران اقلیمی در حال رشد تبدیل شده است.

اندونزی از معدود کشورهایی است که همچنان به ساخت نیروگاه‌های زغال‌سنگ ادامه می‌دهد که از آلاینده‌ترین منابع تولید انرژی در جهان محسوب می‌شوند. در این میان، شرکت‌های چینی نقش پررنگی در توسعه این زیرساخت‌ها ایفا می‌کنند. با وجود آنکه پکن در سال ۲۰۲۱ وعده داده بود حمایت مالی از پروژه‌های زغال‌سنگ در خارج از کشور را متوقف خواهد کرد، اما همچنان در ساخت و تأمین مالی نیروگاه‌های جدید زغال‌سنگ در اندونزی فعال است.

براساس داده‌های پایش‌شده توسط مؤسسه مستقل «مرکز پایش جهانی انرژی»، چین طی سال‌های گذشته در ساخت و تأمین مالی ناوگان جهانی نیروگاه‌های زغال‌سنگ نقش کلیدی داشته است. در حال حاضر، این نیروگاه‌ها بیش از بسیاری از کشورها، دی‌اکسید کربن تولید می‌کند و به گرمایش زمین دامن می‌زند.

اندونزی اکنون صاحب چهارمین ناوگان بزرگ نیروگاه‌های زغال‌سنگ در جهان و یکی از جوان‌ترین آنهاست. انتشار دی‌اکسید کربن در این کشور از سال ۲۰۰۵ تاکنون بیش از دو برابر شده و اندونزی را به هفتمین آلوده‌کننده بزرگ جهان تبدیل کرده است. هرچند این توسعه زیرساختی با هدایت دولت اندونزی و حمایت مالی کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی انجام شده، اما هیچ کشوری به‌اندازه چین در این روند نقش نداشته است.

به‌گفته مدیر میز چین‌اندونزی در مرکز مطالعات اقتصادی و حقوقی اندونزی، درحالی‌که بسیاری از کشورها وعده تأمین مالی پروژه‌های زغال‌سنگ را داده‌اند، اما در عمل اقدامی نکرده‌اند. در عوض شرکت‌های چینی با سرعت و بدون شروط پیچیده، منابع مالی را در اختیار اندونزی قرار داده‌اند.

با وجود تعهد رسمی رئیس‌جمهور چین، در سال ۲۰۲۱ مبنی‌بر توقف حمایت مالی از پروژه‌های زغال‌سنگ در خارج از کشور، شرکت‌های چینی همچنان در حال ساخت نیروگاه‌های جدید در اندونزی هستند. این روند نگرانی‌های جهانی درباره تعهدات محیط‌زیستی و آینده انرژی پاک را تشدید کرده است. | ایمنا

نوبت اول
فرهنگ مصرف آب را بیاموزیم و به دیگران نیز آموزش دهیم

آگهی تجدید فراخوان شناسایی سرمایه‌گذاران متقاضی

شرکت آب و فاضلاب سیستان و بلوچستان

مشارکت در ایجاد و بازسازی تاسیسات فاضلاب زابل در ازای استفاده از پساب تولیدی

شرکت آب‌وفاضلاب استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد بر اساس قوانین و مقررات مربوطه از جمله دستورالعمل اجرایی ماده ۲۰ قانون الحاق ۲ و مفاد قانون تشکیل شرکت‌های آب‌وفاضلاب مصوب سال ۱۳۶۹ و اساسنامه شرکت‌ها ایجاد و بازسازی تاسیسات فاضلاب زابل در استان سیستان و بلوچستان را در ازای استفاده از پساب تصفیه شده تاسیسات مذکور به‌منظور کاربری معین و با حجم مشخص برای دوره زمانی محدود و معین به روش بیع متقابل و با شرایط کلی ذیل از طریق مناقصه عمومی به متقاضی واجد شرایط واگذار نماید.

الف ـ شرح مختصری از پروژه:
- موضوع پروژه: ایجاد و بازسازی تاسیسات فاضلاب شهر زابل به روش بیع متقابل
- حجم پساب تولیدی در افق سال ۱۴۲۵ برابر ۱۲ میلیون مترمکعب
- سرمایه‌پذیر: شرکت آب‌وفاضلاب سیستان و بلوچستان
- دوره احداث: ۳ سال
- مدت دوره واگذاری پساب و بهره‌برداری تجاری: بر مبنای مدل مالی مصوب
- محل اجرا: استان سیستان و بلوچستان ـ شهر زابل
- محل تصفیه‌خانه فاضلاب زابل: واقع در استان سیستان و بلوچستان شهر زابل موقعیت و شرایط آن در اسناد درج شده است.
- کاربری پساب: صنعت/ خدمات /کشاورزی صنعتی

ب- تعهدات اصلی سرمایه‌گذار
تکمیل و توسعه تاسیسات فاضلاب زابل

جزئیات شرایط و مشخصات تعهدات سرمایه‌گذار در اسناد مناقصه درج شده است.

شرایط کلی سرمایه‌گذار
کلیه اشخاص حقیقی و یا حقوقی که مطابق قانون اجازه مشارکت در قراردادهای سرمایه‌گذاری را دارند و امکان تامین مالی، مدیریت، دانش و تجربه قابل‌قبول در زمینه کارهای موضوع مناقصه را دارا بوده و حائز شرایط ذکر شده در اسناد ارزیابی کیفی گردند.
سرمایه‌گذاران واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ اظهارنامه اعلام آمادگی و امکان تامین منابع مالی خود، دال بر احراز توان سرمایه‌گذاری را به دفتر قراردادهای شرکت آب‌وفاضلاب تحویل نمایند.
یادآوری می‌شود سایر اطلاعات و اسناد لازم برای پیشبرد فرآیندهای قانونی موضوع فراخوان و تشریح شرایط کار پس از شناسایی سرمایه گذاران واجد شرایط به اطلاع خواهد رسید.
نشانی سرمایه‌پذیر: زاهدان بلوار قلنبر شرکت آب‌وفاضلاب استان
تلفن: ۰۵۴۳۳۴۱۴۱۰۰ فاکس: ۰۵۴۳۳۴۴۵۲۱۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ ـ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

دفتر قراردادها- شرکت آب‌وفاضلاب استان سیستان و بلوچستان

| گیلان |

اجرای اقدامات گسترده راهداری برای ارتقای ایمنی راه‌ها

زینب قلی‌پور - مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان گیلان با اشاره به اجرای اقدامات موثر در راستای ارتقای ایمنی راه‌های استان، طی ۶ماهه نخست امسال، گفت: در این مدت، عملیات خط‌کشی سرد به طول ۸۹۰ کیلومتر انجام شده است. فریبرز مرادی مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان گیلان با اشاره به اجرای اقدامات موثر در راستای ارتقای ایمنی راه‌های استان، طی ۶ماهه نخست امسال، گفت: در این مدت، عملیات خط‌کشی سرد به طول ۸۹۰ کیلومتر، نصب ۹۴۵ عدد علائم اخطاری، انتظامی و مسیرنما و ایمن‌سازی ۱۰۶ مورد سر گاردریل انجام شده است. مرادی اظهار کرد: همچنین ۱۹۲ کیلومتر شیب شیروانی ایمن‌سازی و ۲۳۵۰ دستگاه چراغ چشمک‌زن نگهداری شده و اجرای سیستم روشنایی نقطه‌ای در ۱۰ نقطه نیز در دستور کار بوده است.

او ادامه داد: اصلاح سیستم روشنایی طولی در ۱۸ کیلومتر، نصب نیوجرسی و جدول‌گذاری در هفت کیلومتر از راه‌ها، ایمن‌سازی ۵۵ رشته سرعت‌کاه، ساماندهی و آشکارسازی ۴۰ رمپ ورودی و خروجی‌محورهای اصلی و فرعی و اصلاح سیستم روشنایی دماغه تونل به‌طول ۶ کیلومتر از جمله فعالیت‌های شاخص این اداره کل بوده است.

| اصفهان |

آزادسازی گلوگاه خیابان صمدیه با ۱۲۰ میلیارد ریال اعتبار

بهمن توکلی‌فرد - مدیر منطقه ۲ شهرداری اصفهان گفت: یکی از املاک واقع در گلوگاه خیابان صمدیه که مانع بازگشایی مسیر پیاده‌رو بود با توافق ۱۲ میلیاردتومانی خریداری و تخریب شد. به گزارش پیام ما، محمدرضا طبیبی اظهار کرد: در خیابان صمدیه، به‌ویژه در محدوده چهارراه صمدیه و مدرس نجفی، دو گلوگاه در دو سوی خیابان وجود داشت که موجب تنگی پیاده‌روها و ایجاد مشکلات ترافیکی برای شهروندان شده بود. او افزود: یکی از این املاک که هنوز عقب‌نشینی انجام نداده بود، با توافقات صورت‌گرفته به مبلغ ۱۲ میلیارد تومان خریداری و حدود ۱۵ روز پیش تخریب شد. مدیر منطقه ۲ شهرداری اصفهان ادامه داد: در خصوص ملک روبه‌رو هنوز توافقی با مالک حاصل نشده است، اما با نصب جداول ترافیکی بخشی از خیابان ایمن‌سازی شده و مراحل قانونی آزادسازی ملک ضلع غربی در حال پیگیری است.

او با اعلام اینکه در صورت عدم توافق با مالک، شهرداری از طریق ماده ۸ قانون زمین‌شهری اقدام می‌کند، گفت: هزینه آزادسازی کل منطقه در سال جاری کمتر از ۱۰ میلیارد تومان بوده، اما تنها هزینه تملک این ملک ۱۲ میلیارد تومان است. او تاکید کرد: تلاش ما این است که روند آزادسازی کامل این محور تا پایان سال جاری انجام شود تا گلوگاه‌های خیابان صمدیه به‌طور کامل برطرف و پیاده‌روها ساماندهی شود.

| لرستان |

سلامت آب آشامیدنی لرستان زیر ذره‌بین

مریم تیموری - مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب لرستان با اشاره به پایش مستمر و روزانه شاخص‌های کلر باقیمانده و کدورت در سامانه‌های آب‌رسانی شهری و روستایی گفت: این اقدام در راستای ارتقای سلامت آب شرب و تأمین آبی باکیفیت و مطلوب برای مردم انجام می‌شود. به گزارش روابط‌عمومی شرکت آب‌وفاضلاب لرستان، نورالدین نوریزدان، ۲۹ مهر در گفت‌وگو با رسانه‌ها با اشاره به پایش مستمر و روزانه شاخص‌های کلر باقیمانده و کدورت در سامانه‌های آب‌رسانی شهری و روستایی اظهار کرد: این اقدام در راستای ارتقای سلامت آب شرب و تأمین آبی با کیفیت و مطلوب برای مردم انجام می‌شود. وی با اشاره به اینکه کلر باقیمانده و کدورت از مهم‌ترین شاخص‌های کیفی آب هستند گفت: کلر باقیمانده نشان‌دهنده اثربخشی گندزدایی و ایمنی میکروبی آب در شبکه توزیع است و کدورت نیز وضعیت فیزیکی آب و احتمال حضور ذرات معلق را نشان می‌دهد. مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب لرستان خاطرنشان کرد: در این طرح، داده‌های اندازه‌گیری‌شدن با استفاده از برنامه‌های موقعیت‌یابی (GPS) ثبت و به‌صورت دقیق رصد می‌شوند تا کیفیت شبکه‌های آب‌رسانی به طور مستمر تحت‌نظر باشد.

خبر

تزریق واکسن آنفلوانزا به ۴۵ سالمند سرای سنندج

کردستان، نوشادی - مرکز بهداشت شهرستان سنندج، از تزریق واکسن آنفلوانزا به ۴۵ نفر از سالمندان سرای سالمندان این شهرستان خبر داد. دکتر محمد شاویسی، رئیس مرکز بهداشت سنندج با اعلام این خبر اظهار کرد: برای ۴۵ نفر از سالمندان سرای سالمندان سنندج توسط کارشناسان مرکز بهداشت واکسن آنفلوانزا تزریق شد. شاویسی با اشاره به دستورالعمل ابلاغی از سوی وزارت بهداشت، به اولویت‌های تزریق واکسن اشاره کرد و افزود: ما بر اساس اولویت، واکسیناسیون را ابتدا برای پرسنل درمان در بخش‌های ویژه، تنفسی و اورژانس، سپس پرسنل بهداشت و درمان دانشگاه و سایر ارگان‌ها و در نهایت افراد با نقص ایمنی، بیماران سرطانی و سالمندان انجام می‌دهیم.

او بهترین زمان برای تزریق واکسن را همین ابتدای فصل پاییز دانست تا مقابله مؤثری با موج اول آنفلوآنزا صورت گیرد.

رئیس مرکز بهداشت شهرستان سنندج ضمن توصیه به عموم مردم، اعلام کرد: انواع واکسن آنفلوانزا، اعم از ایرانی و خارجی، در تمام داروخانه‌های خصوصی موجود است. او به طور خاص بر لزوم واکسیناسیون برای کودکان و مادران باردار تأکید کرد، و گفت: برای مادران و کودکان زیر ۱۸ سال، واکسن‌های ایرانی و چینی منع مصرف دارند و باید حتماً از واکسن‌های فرانسوی یا هلندی استفاده شود.

یک میلیون و ۲۵۰ هزار گلستانی از خدمات بیمه سلامت بهره‌مند شدند

گلستان، حبیبه مومنی - معاون بیمه سلامت استان گلستان از بهره‌مندی یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر از خدمات بیمه سلامت گلستان خبر داد و گفت: ۶۴ درصد بیمه شدگان از روستاییان این استان هستند.

سید محمد حسینی با اشاره به اهمیت پیشگیری و شناسایی زودهنگام بیماری‌ها گفت: بخش قابل توجهی از بیماری‌های شایع مانند فشار خون و برخی سرطان‌ها ریشه در سبک زندگی دارد و برای همین معاونت سلامت و پیشگیری در سازمان بیمه سلامت ایجاد شده است تا با همکاری نظام ارجاع و پزشک خانواده، این بیماری‌ها در مراحل ابتدایی شناسایی و کنترل شوند.

او افزود: در حال حاضر حدود ۸۰۰ هزار نفر از جمعیت روستایی استان تحت پوشش نظام ارجاع و پزشک خانواده هستند. به ازای هر چهار هزار نفر یک پزشک خانواده در مراکز جامع خدمات سلامت مستقر است و خدمات غربالگری، بهداشت و درمان اولیه را ارائه می‌دهد. طبق مصوبات هیئت وزیران، این طرح به تدریج در شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر و سپس در شهرهای بزرگ‌تر نیز اجرایی می‌شود. او در ادامه گفت: هفته بیمه سلامت از سوم آبان آغاز می‌شود و در طول این هفته برنامه‌های متعددی با محوریت پیشگیری، ارتقای سلامت عمومی و عدالت در دسترسی به خدمات درمانی اجرا می‌شود. شعار امسال هفته بیمه سلامت هزینه سلامت، رفاه ملی برای ایران سالم است. حسینی با اشاره به وضعیت پوشش بیمه‌ای استان گلستان بیان کرد: اکنون ۶۲ درصد جمعیت استان تحت پوشش بیمه سلامت هستند. بر اساس دهک‌بندی، افراد کم‌برخوردار و ساکنان مناطق روستایی برای بیمه شدن هیچ هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند و هزینه‌های درمانی آن‌ها به‌طور کامل تحت پوشش دولت قرار دارد. مدیرکل بیمه سلامت گلستان افزود: در استان هزار و ۳۲۶ مرکز درمانی طرف قرارداد بیمه سلامت هستند و امسال ۹۹ مرکز جدید نیز به شبکه خدمات اضافه شده است. عقد قراردادها به صورت الکترونیکی انجام می‌شود و نظارت بر مراکز درمانی نیز از طریق سامانه‌های هوشمند صورت می‌گیرد. گلستان جزو سه استان پیشرو در اجرای نظارت الکترونیکی است.

> مدیرکل بیمه سلامت گلستان: در استان هزار و ۳۲۶ مرکز درمانی طرف قرارداد بیمه سلامت هستند و امسال ۹۹ مرکز جدید نیز به شبکه خدمات اضافه شده است. عقد قراردادها به صورت الکترونیکی انجام می‌شود و نظارت بر مراکز درمانی نیز از طریق سامانه‌های هوشمند صورت می‌گیرد. گلستان جزو سه استان پیشرو در اجرای نظارت الکترونیکی است

خراسان رضوی

اختصاص ۴ هزار میلیارد تومان برای تکمیل طرح‌های کلان ترافیکی مشهد تا پایان ۱۴۰۵

یاسر وطن پور - مدیرکل نظارت بر اجرای طرح‌های عمرانی شهرداری مشهد از اجرای هم‌زمان هفت پروژه کلان ترافیکی با اعتباری بالغ بر چهار هزار میلیارد تومان خبر داد و گفت: این طرح‌ها با هدف توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی در بافت مرکزی و رفع گره‌های ترافیکی در رینگ‌های پیرامونی مشهد تا پایان سال ۱۴۰۵ به بهره‌برداری می‌رسند.

مجتبی زمانیان‌وحیدی، مدیرکل نظارت بر اجرای طرح‌های عمرانی شهرداری مشهد، در حاشیه بازدید خبرنگاران از کلان پروژه‌های عمرانی شهر اظهار کرد: در سیاست‌های جدید مدیریت شهری، تمرکز اصلی در بخش مرکزی شهر بر توسعه حمل‌ونقل عمومی از طریق افزایش ناوگان اتوبوس‌رانی، توسعه خطوط مترو و بهسازی تاکسی‌ها قرار گرفته است. در رینگ پیرامونی نیز هدف، رفع گره‌های ترافیکی و بهبود جریان عبور و مرور شهروندان است.

او افزود: برای تحقق این اهداف، هفت پروژه مهم ترافیکی شامل تقاطع انقلاب اسلامی، دوربرگردان شرقی بلوار ابوطالب (ع)، میان‌گذر جنوبی، سطح سوم تقاطع خیام، سطح سوم تقاطع شهید فهمیده، احداث تقاطع امام حسن (ع) و چپ‌گرد شاهنامه در حال اجراست. اعتبار پیش‌بینی‌شده برای این پروژه‌ها حدود چهار هزار میلیارد تومان است و همه آن‌ها اکنون فعال‌اند. بر اساس برنامه‌ریزی‌ها، تمامی طرح‌ها تا پایان سال ۱۴۰۵ تکمیل خواهند شد. زمانیان‌وحیدی درباره آخرین وضعیت پروژه دوربرگردان شرقی بلوار ابوطالب (ع) گفت: این پروژه برای تکمیل مسیر ترافیکی صدمتری و کاهش بار تردد منطقه ضروری بود. عملیات اجرایی آن از شهریورماه سال گذشته آغاز و تاکنون ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. با رفع معارضات تاسیساتی و ملکی، پیش‌بینی می‌شود تا پایان امسال به بهره‌برداری برسد.

او همچنین به پروژه سطح سوم تقاطع خیام اشاره کرد و افزود: در محدوده بازارهای سپاد و الماس شرق، به‌دلیل حجم بالای تردد، اجرای این پل نقش مهمی در اتصال شمال و جنوب صدمتری و کاهش ترافیک دارد. این پروژه تاکنون ۴۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و امیدواریم در خردادماه ۱۴۰۵ به بهره‌برداری برسد.

مدیرکل نظارت بر اجرای طرح‌های عمرانی شهرداری مشهد در ادامه گفت: پروژه سطح سوم میدان شهید فهمیده نیز با هدف کاهش بار ترافیکی میدان و تسهیل تردد از میدان معراج به خیام در حال اجراست. تاکنون ۹۰ درصد از بخش چپ‌گرد معراج به خیام تکمیل شده و تا پایان آذرماه امسال به بهره‌برداری می رسد. سایر بخش‌های این پروژه نیز تا پایان سال ۱۴۰۵ به اتمام می‌رسد.

او درباره وضعیت تقاطع غیرهم‌سطح امام‌حسن‌مجتبی (ع) گفت: این پروژه به‌منظور ارتقای ایمنی و کاهش تصادفات در بزرگراه امام‌علی (ع) اجرا می‌شود و شامل احداث زیرگذر و پل ارتباطی بین بلوار شاهد و شهید فخرایی است. عملیات اجرایی آن از تابستان امسال آغاز شده و تاکنون حدود ۱۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. این طرح با اعتباری نزدیک به ۶۳۰ میلیارد تومان تا آذرماه ۱۴۰۵ به بهره‌برداری می‌رسد.

کشت ارقام جدید گوجه و خیار مقاوم به شوری و گرما در منطقه سیستان

عباس‌نژاد - سیستان و بلوچستان، رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی سیستان گفت: فصل کشت و ارزیابی ارقام جدید گوجه‌فرنگی و خیار گلخانه‌ای مقاوم به شوری و گرما در مرکز تحقیقات «زهک» در شمال سیستان و بلوچستان آغاز شد.

محمدرضا ناروئی‌راد اظهار کرد: این طرح در راستای افزایش پایداری تولیدات گلخانه‌ای در مناطق گرم و خشک شرق کشور و با هدف شناسایی و معرفی ارقام جدید و مقاوم به تنش‌های شوری، گرما و نوسانات محیطی در شرایط منطقه سیستان اجرا می‌شود.

او افزود: در این طرح، رقم گوجه‌فرنگی «سیمینیس» (TH SV۴۱۳۹) و ارقام خیار «ناگین» و «الماسی» تحت شرایط کنترل‌شده و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و مالچ پلاستیکی در مجتمع گلخانه‌ای مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی زهک کشت شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی سیستان اضافه کرد: روش کشت در این طرح به‌صورت خاکی با آبیاری نواری (Drip Irrigation) و با استفاده از مالچ پلاستیکی است که ضمن کاهش تبخیر سطحی، موجب کنترل علف‌های هرز و صرفه‌جویی قابل‌توجه در مصرف آب می‌شود.

ناروئی‌راد با تاکید بر اهمیت اجرای طرح‌های تحقیقاتی متناسب با اقلیم منطقه افزود: بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در کشت گلخانه‌ای و استفاده از ارقام مقاوم می‌تواند نقش مهمی در پایداری تولید و افزایش بهره‌وری منابع آب‌وخاک در منطقه سیستان داشته باشد.

او گفت: نتایج این ارزیابی‌ها پس از پایان دوره رشد و برداشت، به‌منظور توسعه و ترویج در میان بهره‌برداران و تولیدکنندگان گلخانه‌ای منطقه ارائه می‌شود.

> رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی سیستان: فصل کشت و ارزیابی ارقام جدید گوجه‌فرنگی و خیار گلخانه‌ای مقاوم به شوری و گرما در مرکز تحقیقات «زهک» در شمال سیستان و بلوچستان آغاز شد

مهر و سماع خوشنویسان راگرد هم آورد

بهمن توکلی‌فرد - به مناسبت بزرگداشت مولانا و هفته خوشنویسی، نمایشگاهی از آثار خوشنویسان با عنوان "مهر و سماع "در تالار نگارستان شهرداری شاهین‌شهر افتتاح گردید.

در این آیین فرماندار، شهردار و رئیس اداره ارشاد اسلامی و جمعی از مسئولین و هنرمندان و اعضای انجمن خوشنویسان شاهین‌شهر حضور داشتند. عبدالله رحیمی، یکی از خوشنویسان گفت: این نمایشگاه در قالب‌های خط نستعلیق، شکسته‌نستعلیق، نسخ، ثلث، کوفی، تعلیق و خطوط نوین برپا و تا ۲۷ مهرماه مورد بازدید علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر قرار گرفت.

او افزود: خوشنویسی، نه صرفاً نگارش حروف بر صحیفه‌های سپید که معراجِ سیاهی مرکب به ساحتِ نور است. رحیمی گفت: این هنر، رقص قلم است بر بستر کاغذ که هر الفی در آن، قیامتی برپا می‌کند و هر دایره‌ای، حلقهٔ وصلی است به سرچشمهٔ هستی. او اظهار داشت: خوشنویسی، آیینه‌دارِ فرهنگ و میراثِ مکتوبِ ماست؛ جایی که دستِ هنرمند، واسطه‌ای می‌شود تا کلامِ موزون و اندیشهٔ ژرف، از قالب صوت فراتر رفته و جاویدان شود. رحیمی با بیان اینکه این هنر شریف، خود سلوکی است عارفانه؛ گفت: صبوری و تمرکزِ خوشنویس، در پیچش هر واو و امتداد هر سین، متبلور است و خطاط، با هر قطره مرکب، راز هستی را می‌آغازد و با هر کرشمهٔ قلم، جمالِ مطلق را ترسیم می‌کند.

فارس

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای فارس اعلام کرد:

تامین برق حدود ۴ هزار و دویست واحد مسکن ملی فسا

سعیده ناصری - در جریان سفر علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی به شهرستان فسا، موضوع اختصاص زمین و تخصیص ۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای احداث زیرساخت‌های تامین و انتقال برق پروژه حدود ۴ هزار و دویست‌واحدی نهضت ملی مسکن این شهرستان مطرح و در دستور کار قرار گرفت.

به گزارش روابط‌عمومی شرکت برق منطقه‌ای فارس، یدالله حقیقی، مدیرعامل این شرکت، در این سفر با همراهی نایب‌رئیس مجلس از چند پروژه عمرانی و در حال ساخت شهرستان فسا بازدید کردند. در این بازدید، معاون وزیر راه و شهرسازی، رئیس ایمیدرو و نماینده مردم فسا نیز نایب‌رئیس مجلس را همراهی کردند.

حقیقی در حاشیه این بازدید اعلام کرد: با همکاری حوزه‌های مختلف و توافقات صورت‌گرفته، مراحل تامین برق زیرساخت‌های مسکن ملی در فسا در دستور کار وزارت نیرو و وزارت راه و شهرسازی قرار دارد.

او افزود: برای تامین برق این پروژه، نیاز به احداث ایستگاه جدید داریم و تامین زمین مورد نظر نیز با دستور وزارت راه و شهرسازی انجام می‌شود. این ایستگاه به‌عنوان بخشی از زیرساخت‌های لازم برای تامین برق حدود چهار هزار و دویست واحد مسکونی در فسا احداث می‌شود. مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای فارس همچنین به اعتبار مورد نیاز برای این پروژه اشاره کرد و گفت: تأمین حدود ۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای احداث ایستگاه ضروری است باتوجه‌به میزان پیشرفت عملیات اجرایی، انتظار می‌رود که کارها به‌زودی آغاز شود. او ادامه داد: خطوط انتقال ۶۶ کیلوولت از ایستگاه ۴۰۰ کیلوولت فسا باید به طول تقریبی ۲۵ کیلومتر کشیده شود و همچنین ایستگاه ۶۶ به ۲۰ کیلوولت نیز در این منطقه احداث و تجهیز شود تا بتوانیم خدمات مطلوبی را به ساکنین واحدهای مسکونی نهضت ملی مسکن ارائه دهیم.

حقیقی تأکید کرد که تأمین برق و توسعه زیرساخت‌های آن در نهضت ملی مسکن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باتوجه‌به افزایش جمعیت و نیاز به واحدهای مسکونی، فراهم‌کردن زیرساخت‌های انرژی یکی از ارکان اساسی برای موفقیت این پروژه‌ها محسوب می‌شود. عدم وجود زیرساخت‌های مناسب می‌تواند به تأخیر در احداث و بهره‌برداری از واحدهای مسکونی منجر شود و کیفیت زندگی ساکنین را تحت‌تأثیر قرار دهد؛ بنابراین همکاری میان وزارت نیرو و وزارت راه و شهرسازی برای تامین برق و ساخت ایستگاه‌های جدید در این زمینه حیاتی است.

حقیقی با تقدیر از همراهی نایب‌رئیس مجلس و مسئولان استانی ادامه داد: تأمین برق‌کافی و پایدار نه‌تنها به تسهیل روند ساخت‌وساز کمک می‌کند، بلکه به بهره‌وری و رضایت ساکنین نیز مرتبط است.

نماینده مردم یزد:

فرونشست در بافت تاریخی یزد نتیجه نبود منابع پایدار آب است

یزد، صادقی‌مقدم - نماینده مردم یزد، اشکذر، زارچ و بخش ندوشن با ارائه گزارشی صریح و نگران‌کننده، وضعیت آب استان و شهرستان یزد را در نقطه بحرانی توصیف کرد و خواستار اقدامات عاجل و بنیادین شد.

محمد صالح جوکار در مراسم بهره‌برداری از مخزن ۱۵ هزار مترمکعبی شهید موسوی که حضور نماینده ولی‌فقیه در استان، استاندار یزد و مدیرعامل شرکت مهندسی آب‌وفاضلاب کشور، با اشاره به تنش شدید آبی در تابستان گذشته، گفت: اینکه می‌گوییم تابستان را مدیریت کردیم، باید بگوییم با چه شرایط سختی در برخی مواقع ارتفاع آب در مخازن ما به ۹۰ سانتی‌متر رسید و یک قطعی برق می‌توانست ما را دچار مشکل کند.

او با اشاره به پروژه ۱۵ساله مجتمع آب‌رسانی امام حسین (ع) خضرآباد شهرستان اشکذر و شرایط تنش‌زای آب در تابستان گذشته، خواستار تکمیل فوری رینگ شهری، تسریع در خط انتقال آب خرسان و برقراری عدالت کیفی و کمی آب برای تمام مردم شد رئیس مجمع نمایندگان استان با انتقاد شدید از نبود عدالت در توزیع آب در سطح شهر یزد، افزود: در شهر یزد نه عدالت در کیفیت آب وجود دارد و نه عدالت در توزیع کمی آب، در برخی مناطق فشار آب بالاست و در برخی مناطق اصلاً آب از لوله بیرون نمی‌آید. کیفیت آب در مناطقی که از چاه‌های کشاورزی تأمین می‌شود، به‌شدت پایین است. این بی‌عدالتی باید پایان یابد.

نماینده مردم یزد، اشکذر، زارچ و بخش ندوشن در مجلس شورای اسلامی بحران آب را فراتر از یک مشکل خدماتی و یک تهدید وجودی برای شهر یزد دانست و گفت: افت سالیانه مخازن آب زیرزمینی چیزی برای ما باقی نگذاشته است. فرونشست‌های زمین، شکستگی‌هایی که در بافت تاریخی ما ایجاد شده و فروچاله‌هایی که شاهد آن بودیم، آینده بسیار بدی را در برابر ما قرار داده است. اصل موضوع، تامین آب پایدار است. جوکار تأکید کرد: دیگر نمی‌توان با راهکارهای موقتی مانند حفر چند چاه، بحران را مدیریت کرد و زمان اقدامات اساسی برای نجات منابع آبی و کالبد تاریخی یزد فرا رسیده است. تدوین یک برنامه جامع برای تامین آب پایدار استان و به‌ویژه شهرستان یزد با جمعیت ۷۰۰ هزار نفر، تسریع در تکمیل خطوط لوله و مخازن باقی‌مانده رینگ شهری برای ایجاد عدالت در توزیع کمی آب، رفع موانع و قطعی کردن مسیر پروژه انتقال آب از سد خرسان جهت تصویب در ماده ۲۳ و تأمین بودجه آن از سال ۱۴۰۵ مطالبات صریح دکتر جوکار برای خروج از بحران فعلی بود.

> نماینده مردم یزد، اشکذر، زارچ و بخش ندوشن در مجلس شورای اسلامی بحران آب را فراتر از یک مشکل خدماتی و یک تهدید وجودی برای شهر یزد دانست: افت سالیانه مخازن آب زیرزمینی چیزی برای ما باقی نگذاشته است

سرپرست شرکت پالایش گاز فجرجم؛

تامین خوراک جدید پالایشگاه فجرجم از میدان گازی پازن

بوشهر، زهرا ماندنیان‌فرد - سرپرست شرکت پالایش گازفجرجم در حاشیه نشست خود با مدیران و کارشناسان فنی توسعه میدان گازی پازن گفت: توسعه میادین نفت و گاز کمک مهمی به ناترازی انرژی در کشور است و ما آماده همکاری با بهره‌بردار هستیم. به گزارش روابط‌عمومی شرکت پالایش گاز فجرجم، دکتر حمید خدری خاطرنشان کرد: این میدان با افزایش ذخیره ۱۰ هزار میلیارد فوت مکعب گاز، می‌تواند نقش مهمی در جبران ناترازی انرژی کشور در سال‌های آینده داشته باشد. او افزود: شرکت پالایش گاز فجرجم نیازمند خوراک از میادین جدید گازی است و انتظار می‌رود میدان گازی پازن تولدی جدید برای این شرکت باشد. سرپرست شرکت پالایش گاز فجرجم با تقدیر از سرمایه‌گذار این میدان و اقدامات صورت‌گرفته تصریح کرد: ما نیازمند داده‌های دقیق‌تر از وضعیت پیشرفت پروژه هستیم تا بتوانیم از نظر فنی و تبادل اطلاعات به بهره‌بردار کمک کنیم. او تاکید کرد: با توجه به حساسیت کشور در تامین انرژی، همه ما در یک جبهه قرار داریم و موظف هستیم به رفع ناترازی کمک کنیم. گفتنی است قرارداد توسعه میدان گازی و نفتی پازن به بخش خصوصی واگذار شده است و به‌زودی شاهد آغاز عملیات اجرایی آن خواهیم بود.

روزنامه پیام ما
www.payamema.ir
● چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۴ ● سال بیست و یکم ● شماره پیاپی ۳۲۵۴

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
سردبیر: فاطمه علی‌اصغر
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
ویدئو ژورنالیسم: سامان موحدی‌راد
مدیر هنری: تیوا صمدیان

دبیر عکس: یاسر خدیشی
دبیر محیط‌زیست و منابع‌طبیعی: فاطمه باباخانی
دبیر انرژی، کشاورزی و جامعه محلی: ستاره حجتی
دبیر میراث فرهنگی: فرزانه قبادی
صفحه‌آخر: صدف سرداری
صفحه‌آرایی: علی اکبرزاده، آتنا شریف‌زاده

خبرنگاران: فروغ فکری، حمیدرضا میرزاده، مرضیه قاضی‌زاده، مریم محمودخواه، کبریا حسین‌زاده، مرجان حاج رحیمی، سمیه ایمانیان، نادره وائلی‌زاده، فرداد احمدی، کوثر نمک‌شناس، مریم کاظمی‌زاده، فرح ابوطالبی، ریحانه حیدری، پریسا ساسانی، کوروش دیباج، مجتبی بیگلری
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: ندا صفاریان، فاطمه آقاملایی، الهام سرگزی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما : ۲
نظرات‌نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۱۰۵ ۷۴۲۲-۰۲۱
تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲
برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴
آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جاری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۲۵۶)
نشانی : کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴
تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com
@payamema
@payamema
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir

پیام ما دیروز

چگونه واژه‌ها از طریق بدن و حافظه، زیسته می‌شود؟

جوشش شهر در رگ ادبیات داستانی

AFP

علی ملازاده
روزنامه‌نگار

«میشل دوسرتو» در کتاب «قدم‌زدن در شهر» تأکید می‌کند راه‌رفتن در شهر نوعی نوشتن است؛ شهر همچون متنی است که با حرکت بدن‌ها نوشته و بازخوانی می‌شود. ازاین‌رو، خواننده هنگامی که در متن غوطه‌ور می‌شود، همان حرکت بدن در خیابان را تجربه می‌کند؛ تجربه‌ای حسی و بدن‌مند. از سوی دیگر، فضاها نیز حامل حافظه جمعی‌اند و این حافظه بیش از آنکه شناختی باشد، احساسی و تداعی‌گر است. میدان‌ها، خیابان‌ها و بناها واکنش‌های عاطفی را در مخاطب برمی‌انگیزند و خاطراتی را بیدار می‌کنند که پیش از تفکر عقلانی، بر حواس او اثر می‌گذارند.

در نقد ادبی، فضا و شهر نیروهایی فعال در شکل‌گیری داستان و تجربه خواننده به شمار می‌آیند. از نیمه دوم قرن بیستم نظریه‌پردازانی چون «هانری لوفبور»، «میشل دوسرتو» و «ادوارد سوجا» نشان دادند فضا هم تولید می‌شود و هم در فرایند مصرف، تولیدکننده روابط اجتماعی و فرهنگی است. بر همین اساس، می‌توان از اصطلاح «شهرواژه» برای نامیدن موقعیت‌هایی فضایی بهره برد که افزون‌بر نقش بستری و زمینه‌مند خود، زبان و دلالتی ویژه دارند؛ همان‌گونه‌که واژه در متن معنا می‌سازد، شهرواژه نیز در پدیدار ادبی معنا می‌آفریند. اصطلاح شهرواژه معادل مفهوم مکان در داستان نیست. به‌اعتقاد «میشل بوتور»، محیط پیرامون ما هنگام خواندن داستان مستحیل می‌شود و جای خود را به مکانی می‌دهد که رخدادهای داستان در آن جریان دارند. درواقع، ما در فرایند خوانش، با انسان‌واژه‌ها، شی‌ءواژه‌ها، زمان‌واژه‌ها و مکان‌واژه‌ها روبه‌رو می‌شویم؛ یا به تعبیری دیگر، ما در داستان‌ها شخصیت، اشیا، زمان، مکان و سایر عناصر دیگر را به آن معنا که در جهان واقع درک می‌کنیم؛ نمی‌بینیم و تجربه نمی‌کنیم. ارتباط مخاطب با متن، تنها از راه تفسیر عقلانی صورت نمی‌گیرد؛ بافت فضایی و شهرواژه‌ای داستان، در سطحی ناخودآگاه و غیرزبانی مخاطب را درگیر می‌کند. پرسش اصلی، نسبت میان شهرواژه و تجربه‌هایی است که خواننده پیش از سطح تحلیلی و از مسیر حس، عاطفه، حافظه و بدن دریافت می‌کند. از این منظر، شهرواژه مکانی است که هم دلالتی زبانی دارد و هم از طریق ریتم، صدا، بو، حس زمان و حافظه در سطحی پیشاشناختی بر مخاطب اثر می‌گذارد. داستان در ذات خود واجد این ارزش است؛ اما در اینجا برای مثال چند نمونه درخشان از ادبیات داستانی جهان ذکر می‌شود.

رمان «خانم دالووی» نمونه‌ای برجسته از ادبیات مدرنیستی است که در آن شهر، شخصیت و زبان داستان محسوب می‌شود. «ویرجینیا وولف»، روایت را در یک روز تابستانی در لندنِ پس از جنگ جهانی اول می‌گستراند و این بستر عادی را به عنصری معناآفرین بدل می‌کند. لندن در این رمان واژه‌ای زنده است که روایت حول آن شکل می‌گیرد. صدای ساعت یکی از عناصر برجسته است که بارها تکرار می‌شود؛ هر ضربه ساعت، جریان سیال ذهن شخصیت‌ها را پاره می‌کند یا پیوند می‌دهد و در ناخودآگاه خواننده، ضرباهنگی از گذر زمان و اضطراب لندنِ پساجنگ ایجاد می‌کند. این تجربه، نمونه‌ای روشن از رابطه پیشاشناختی است؛ حسی که بیش از درک عقلانی، در بدن رسوب می‌کند.

حرکت شخصیت‌ها در خیابان‌های لندن، از «کلاریسا» تا «سپتیموس»، نوعی نوشتن شهر بر بدن‌ها و بدن‌ها بر شهر است. خواننده نیز از خلال بوها، صداها و نشانه‌های شهری، تجربه‌ای مشترک را از سر می‌گذراند. در تعبیر دوسرتو، شهر «خوانده» نمی‌شود، بلکه «زیسته» می‌شود و تکنیک جریان سیال ذهن وولف، این زیست را به خواننده منتقل می‌کند.

رمان «یولیسس» از «جیمز جویس» یکی از کامل‌ترین صورت‌بندی شهرواژه‌ها در ادبیات مدرنیستی است. دوبلین در این اثر شخصیت اصلی به شمار می‌آید؛ جویس گفته بود اگر دوبلین نابود شود، می‌توان آن را از روی یولیسس بازسازی کرد. در فصل دهم، حرکت هم‌زمان شخصیت‌ها در گوشه‌وکنار شهر، نوعی ریتم و موسیقی فضایی می‌آفریند که پیش از فهم عقلانی، در حواس خواننده جاری می‌شود. در فصل پانزدهم، فضای کابوس‌وار محله فاحشه‌خانه‌ها و هذیان ذهنی شخصیت‌ها، درهم می‌آمیزد و دوبلین به صحنه‌ای تئاتری بدل می‌شود که فشار حسی و ذهنی بر مخاطب می‌آورد؛ رابطه‌ای که در سطح پیشاشناختی شکل می‌گیرد.

در ادبیات ویکتوریایی، آثار «چارلز دیکنز» نشان داده‌اند شهر می‌تواند نیرویی روایی باشد. در رمان «خانه متروک» لندن مه‌آلود به یکی از نیرومندترین شهرواژه‌های قرن نوزدهم تبدیل می‌شود. مه در آغاز داستان، استعاره‌ای از فساد و پیچیدگی قضائی است. تکرار واژه «مه» با فاصله‌های نزدیک، حس خفگی و فشار را به خواننده منتقل می‌کند؛ تجربه‌ای که هم نشانه‌ای شناختی از نظام قضایی تیره است و هم تجربه‌ای بدنی از اضطراب و بی‌افقی.

در رمان «طاعون»، شهر «اوران» به شهرواژه‌ای فلسفی-حسی بدل می‌شود. با شروع بیماری و بسته‌شدن دروازه‌ها، شهر محصور می‌شود و خواننده همراه با شخصیت‌ها در قرنطینه گرفتار می‌شود. پیش از هر تفسیر فلسفی، فشار روانی و بدنی این وضعیت احساس می‌شود. خیابان‌های یکنواخت، نبود درخت، و صدای امواج، یکنواختی و کسالت زندگی را بازتاب می‌دهند و حس زندانی بودن را در خواننده تقویت می‌کنند. اوران در اینجا شهرواژه‌ای است که رابطه مخاطب با اضطراب، مرگ و امید را سامان می‌دهد.

در «نویز سفید» اثر «دان دلیلو» شهرواژه، فضایی اشباع از مصرف و رسانه است. فروشگاه‌ها، صدای تلویزیون و تبلیغات در هم می‌آمیزند و تجربه‌ای از چندپارگی ذهن را می‌سازند. خواننده با «نویز» دائمی درگیر می‌شود؛ انبوهی از کلمات و تصاویر که سرگیجه به ارمغان می‌آورند. صحنه‌های فروشگاه با رنگ‌ها و صداهای تکراری، هم‌زمان حس اغوا و اضطراب را القا می‌کنند. دلیلو نشان می‌دهد در جهان مدرن، شهرواژه‌ها بیشتر تجربه‌ای رسانه‌ای و مصرفی‌اند تا مکانی فیزیکی.

وجه مشترک همه این نمونه‌ها در آن است که مخاطب پیش از تحلیل عقلانی، از راه بدن، حافظه و عاطفه وارد متن می‌شود. شهرواژه‌ها همان گره‌گاه‌هایی‌اند که این ورود را ممکن می‌سازند. لوفبور در تولید فضا بیان می‌کند فضا بی‌جان و بی‌طرف نیست؛ هم محصول کنش‌های اجتماعی است و هم بستر شکل‌گیری آنها. او سه لایه برای فضا قائل است: فضای ادراک‌شده (مادی و ملموس)، فضای تصورشده (نقشه‌ها و بازنمایی‌ها) و فضای زیسته (تجربه بدنی و حسی).

لایه نخست به رابطه شناختی مخاطب با متن مربوط است. در این سطح مخاطب تصور می‌کند شناختش از متن، حین خواندن یا پس از آن حاصل می‌شود. یک رمان یا داستان کوتاه، حتی اگر برگرفته از واقعیت و تاریخ هم باشد، فاقد انسان‌ها، زمان، مکان، اشیا و... است. درواقع لایه اول مواجهه ما با متن، برخلاف آنچه آشنا و شناختی به‌نظر می‌رسد، واقعیت ندارد. لایه دوم، خوانش و رمزگشایی معناست؛ جایی که خواننده در هر مواجهه، به دالان‌های تازه‌ای از معنا هدایت می‌شود. گادامر این موقعیت را مواجه افق متن و افق خواننده می‌داند، اما این هم‌پوشانی هم ناپایدار است و مدام از ساحتی به ساحت دیگر می‌لغزد. اساساً متن، هم‌زمان که مخاطب را فرامی‌خواند، آن را پس می‌زند. این لایه، سراب پیوستگی با متن و فریب آن است. لایه سوم، مستقیماً با رابطه پیشاشناختی پیوند دارد؛ همان تجربه‌ای است که در آن مخاطب، پیش از آغاز خواندن، به‌گونه‌ای متن را می‌شناسد.

این موقعیت پارادوکسیکال و این شناخت حسی که ما پیش از آنکه متن را شروع به خواندن کنیم می‌شناسیم، اساس هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌ها و موقعیت‌هاست. درواقع، لذت خواندن از شکل‌گیری شبکه‌ای است که از توازی و تداخل لایه‌های دوم و سوم پدید می‌آید؛ درصورتی‌که مخاطب به‌اشتباه گمان می‌کند در لایه و سطح اول است که متن را در می‌یابد.

اهمیت این رابطه در آن است که تجربه ادبیات شهری را به چیزی فراتر از رمزگشایی معنایی تبدیل می‌کند. خواننده متن را حس می‌کند، بدن‌مندی خود را درگیر می‌سازد و ناخودآگاه با حافظه جمعی و اضطراب‌های زمانه پیوند می‌خورد. نقد ادبی اگر در سطح شناختی باقی بماند، بخش بزرگی از تجربه ادبیات شهری و غیرشهری را از دست می‌دهد. درک شهرواژه‌ها به‌عنوان گره‌گاه‌های روایی و حسی، ما را به خوانشی عمیق‌تر از ادبیات مدرن و معاصر می‌رساند؛ تجربه‌ای که پیوندی زنده میان متن، بدن و حافظه برقرار می‌سازد.

| فیلم هفته |

نگاهی به فیلم «آرامش در حضور دیگران» ساخته «ناصر تقوایی»

در ساحت سکوت و فروپاشی

علیرضا فدایی‌کرمانی
منتقد سینما

«آرامش در حضور دیگران» (۱۳۴۹)، به‌عنوان نخستین اثر بلند «ناصر تقوایی»، بازخوانیِ صادقانه‌ای از جامعه‌ای است که در آستانه گسست میان سنت و مدرنیسم قرار داشت و شاید همچنان قرار دارد. تاریخ ساخت فیلم سال ۱۳۴۸ و تاریخ اکران آن چند سال بعد در سال ۱۳۵۲ بود. اما فیلم با اعتراض گروهی از پرستاران به‌دلیل روایت بدون روتوش و نگران‌کننده زن شاغل در بیمارستان، خبرساز و به‌دنبال آن، با دستور نهاد امنیتی توقیف شد. اما حقیقت آن است که دلیل اصلی این توقیف، نه تصویر پرستاران، بلکه ناتوانی دستگاه قدرت از مواجهه با آینه‌ای بود که چهره بی‌قرار جامعه شهری را بازتاب می‌داد.

در ظاهر، فیلم روایت بازگشت سرهنگی بازنشسته به خانه است؛ مردی که در پی سال‌ها خدمت نظامی، اکنون می‌خواهد در کنار خانواده‌اش آرام گیرد. اما در ساحت درونی‌تر، تقوایی از بازگشت به خانه، استعاره‌ای از بازگشت به خویش می‌سازد؛ بازگشتی که جز ویرانی و غیاب ارزش‌ها، چیزی در پی ندارد. خانه در این فیلم دیگر مأمن نیست؛ بلکه میدان رویارویی دو جهان است: جهان پدر و جهان دختران. در این راستا، تقوایی فروپاشی خانواده را به‌مثابه بازتاب فروپاشی نظم اجتماعی تفسیر می‌کند. سرهنگ نماد نظم قدیم و اقتدار مردسالارانه است که در مواجهه با تحولات جدید، دچار اختلال می‌شود. او هنوز با زبان فرمان و انضباط سخن می‌گوید، درحالی‌که جهان پیرامونش از فرمانبرداری سر باز زده است. در مقابل، دختران و زنان فیلم حامل نشانه‌های مدرنیسم‌اند؛ میل به استقلال، گفتار آزاد و شکستن مرزهای سنت. این تقابل، بطن اصلی درام را می‌سازد و نشان می‌دهد جامعه ایرانیِ پیش از انقلاب، در میانه مسیر گذار، چگونه میان حفظ سنت و جذب مدرنیته معلق مانده است.

زنان فیلم، در نگاه تقوایی، صرفاً بازنمایی‌های منفعل نیستند؛ آنها به ساحتِ کنشگری وارد می‌شوند، هرچند در چارچوب محدود و متناقض. پرستار بیمارستان، همسر سرهنگ و دخترانش هر یک تجسمی از زن ایرانی در دوران گذارند. حضورشان میان رهایی و قید، اخلاق و میل، سکوت و اعتراض در نوسان است. تقوایی در این راستا از قضاوت پرهیز می‌کند و با فاصله‌ای اما عمیق، فقط به مشاهده این تنش می‌پردازد. او به‌جای اینکه زن را قربانی یا خطاکار بنامد، از او تصویری انسانی ارائه می‌دهد؛ انسانی که در جست‌وجوی معنا، از مرزهای کهنه عبور می‌کند، اما هنوز پناهگاه تازه‌ای نیافته است.

از منظر زیبایی‌شناسی، «آرامش در حضور دیگران» تجربه‌ای مهم در ساحت میزانسن و ریتم است. تقوایی جهان فیلم را در قاب‌هایی بسته، با محوریت خطوط عمودی و نورپردازی خنثی سامان می‌دهد تا حس خفقان و ایستایی را تشدید کند. در این معماری بصری، خانه سرهنگ به زندانی بدل می‌شود که در آن، هیچ نگاه و هیچ گفت‌وگویی به رهایی نمی‌انجامد. سکوت در این فیلم از کلام گویاتر و نشانه فرسایش روح است. تقوایی در این اثر، زبان تصویری تازه‌ای می‌آفریند که از ادبیات «غلامحسین ساعدی» وام گرفته، اما در بیان سینمایی به استقلال رسیده است. او گفت‌وگوها را به حداقل می‌رساند و به نگاه، فاصله و زمان اجازه می‌دهد معنا را بسازند. درنتیجه، فیلم به‌نوعی روان‌کاوی جمعی از جامعه آن روز ایران بدل می‌شود؛ جامعه‌ای که به‌ظاهر مدرن شده، اما در عمق، هنوز با ترس‌ها و عقده‌های سنتی دست‌به‌گریبان است.

در لایه‌ای نمادین‌تر، سرهنگ، همان نظام فرسوده‌ای است که تلاش می‌کند با قواعد انضباطی، هرج‌ومرج درونی جامعه را کنترل کند. اما همان‌گونه که در پایان فیلم می‌بینیم، اقتدار او به‌تدریج در برابر نیروی خاموش مدرنیت فرو می‌پاشد. حتی مفهوم «حضور دیگران» در عنوان فیلم، کنایه‌ای از همین بیگانگی است؛ حضور فیزیکی افراد در کنار هم، بدون پیوند عاطفی یا فهم مشترک. تقوایی با مهارتی کم‌نظیر، این «بی‌حضور در حضور» را به عنصر مرکزی فیلم بدل می‌کند.

از منظر تاریخی، توقیف فیلم به‌نوعی نشان داد «آرامش در حضور دیگران» زودتر از زمان خود متولد شده بود. در روزگاری که سینمای ایران هنوز گرفتار قصه‌های سطحی و قهرمان‌سازی‌های عوام‌پسند بود، تقوایی از واقعیت اجتماعی و روانشناختی سخن گفت. او از دل خانواده‌ای نظامی، تصویری از بحران اخلاقی، بی‌معنایی و گسست نسلی ارائه داد که همچنان در سینمای معاصر ایران پژواک دارد و یادمان باشد این فیلم درصورت اکران در زمان مناسب و بدون تأخیر می‌توانست در کنار فیلم «گاو» اثر «داریوش مهرجویی» و «قیصر» ساخته «مسعود کیمیایی» آغازگر جریان موج نو سینمای ایران باشد.

«آرامش در حضور دیگران» آینه‌ای است از جامعه‌ای که میان سنت و مدرنیسم، میان اقتدار و رهایی، میان حضور و غیاب، در جست‌وجوی معنای تازه‌ای از انسان بودن است. تقوایی آرامش را نه در حضور دیگران، بلکه در مواجهه صادقانه با خویش می‌جوید؛ همان جست‌وجویی که میراث فکری او را تا امروز زنده نگه داشته است.

| حاشیه |

پس از بیانیه دو نهاد صنفی، فیلمنامه‌نویسان هم خواستار لغو شورای پروانه ساخت شدند

نخستین قربانیان ممیزی هستیم

در تازه‌ترین واکنش صنفی به نظام ممیزی و صدور مجوز در سینمای ایران، کانون فیلمنامه‌نویسان سینمای ایران با انتشار بیانیه‌ای صریح خواستار لغو شورای پروانه ساخت و پایان ممیزی‌های پیشینی شد. این کانون در بیانیه‌ای با عنوان «فیلمنامه‌نویسان، نخستین قربانیان ممیزی در سینمای ایران» تأکید کرده ادامه این ساختار، خلاقیت را سرکوب می‌کند و مانعی در مسیر طبیعی تولیدات فرهنگی است.

به‌گزارش ایسنا، در این بیانیه آمده است: «روایت هنرمندانه از زندگی تنها در فضایی ممکن است که آزادی بیان هنری در آن محترم شمرده شود. استمرار نظام ممیزی پیشینی، فیلمنامه‌نویسان را به نخستین قربانیان این روند بدل کرده است.»

کانون فیلمنامه‌نویسان خواستار جایگزینی نظام ثبت اطلاعات تولید به‌جای دریافت پروانه ساخت، پایان ممیزی فیلمنامه‌ها، تشکیل سامانه شفاف ثبت آثار و بازنگری در شورای نمایش شده و تأکید کرده است: «دوران تازه سینمای ایران باید برپایه اعتماد به هنرمند شکل گیرد.»

این بیانیه در حالی منتشر شده است که پیش‌تر کانون کارگردانان سینمای ایران نیز در نامه‌ای به «رائد فریدزاده»، رئیس سازمان سینمایی، خواستار حذف شورای پروانه ساخت شده و هشدار داده بود درصورت ادامه روند ممیزی، نماینده این کانون دیگر در شورا حضور نخواهد داشت. کانون کارگردانان، وجود این شورا را نشانه بی‌اعتمادی به اندیشه و خلاقیت فیلمسازان دانسته و خواستار طراحی سازوکاری شفاف و مبتنی‌بر اعتماد به فیلمسازان شده بود.

هم‌زمان انجمن تهیه‌کنندگان مستقل سینمای ایران نیز در نامه‌ای سرگشاده خطاب به هیئت‌رئیسه خانه سینما، نظام فعلی صدور پروانه ساخت را متعلق به دهه ۶۰ و ناکارآمد دانسته و از خانه سینما خواسته بود برای حذف این الزام قانونی و طراحی سازوکاری اختیاری و صنفی پیشقدم شود. به باور این انجمن، استمرار این روند با روح آزادی اندیشه و قانون اساسی در تضاد است.

اکنون و با هم‌صدایی سه رکن مهم سینمای ایران یعنی نویسندگان، کارگردانان و تهیه‌کنندگان مطالبه برای لغو ممیزی پیشینی و حذف شورای پروانه ساخت، به یک خواست عمومی و جدی در بدنه حرفه‌ای سینما بدل شده است؛ مطالبه‌ای که از نگاه آنان، شرط لازم برای آغاز دوران تازه‌ای از آزادی، خلاقیت و اعتماد در سینمای ایران است.

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر
GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY

آگهی مناقصه عمومی تجدیدشده
شماره ۱۴۰۴/۰۹/ع (اصلاحیه)

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد " عملیات اجرای پروژه راه سازی و روکش آسفالت تعدادی از خیابانهای شهرستان سیرجان فاز دوم (بخش اول) " خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای گواهینامه تأیید صلاحیت پیمانکاری معتبر با رتبه حداقل ۳ در رشته راهسازی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد اصلاح شده مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تأمین کنندگان دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ در محل دفترکمیسیون معاملات مجتمع می باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ مقرر شده است و شرکت در آن الزامی می باشد. توجه به این نکته ضروریست که مناقصات بخش اول و بخش دوم همزمان برگزار میگردد از این روی با هدف تسریع در عملیات اجرایی آسفالت و لزوم انتخاب دو پیمانکار مجزا برای این موضوع درصورتی که یک مناقصه گر در هریک از مناقصات به عنوان برنده مناقصه انتخاب گردد ارجاع کار به آن شرکت در مناقصه دیگر صورت نخواهد پذیرفت. انتخاب برنده هر یک از مناقصات به صلاحدید و تصمیم کمیسیون معاملات گل گهر صورت می پذیرد. شایان ذکر است فرمت ضمانت نامه های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول یا رد هریك از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر